

مشارکتی روستایی! تحلیل تجربیات

مجتبی قدیری معصوم - دانشیار دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران
بهمن صحنه - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی
حسین کوهستانی - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی

چکیده

بیشتر اصول قابل توجه در ارزیابی مشارکتی روستایی مربوط به رفتار و گرایشات تسهیل کنندگان خارجی، شامل تعجیل (تفویض عصا) و آگاهی از جنبه خودانتقادی است. قدرت و محبوبیت ارزیابی مشارکتی روستایی تا اندازه ای به وسیله ی توانایی تحلیل غیر منتظره مردم محلی روشن شده است که راه گشای مناسبات راحت و تسلسل واضح میان مشارکت و روش های خاص بصری است. شواهد تاریخی، اعتبار بالا و مطمئن از اطلاعات مشترک که به وسیله مردم محلی از مقایسه ارزیابی مشارکتی روستایی با روش های سنتی به دست آمده، نشان می دهد. تفاسیر شامل واژگون سازی و تغییر اهمیت از رفتار ناآگاهانه به رفتار آگاهانه، بسته به باز، فردی به گروهی، زبانی به بصری، اندازه گیری به مقایسه کردن؛ و از اطلاعات استخراجی به توانایی تحلیل های محلی بستگی دارد.

واژه های کلیدی: ارزیابی مشارکتی روستایی، تسهیلگران، روش های سنتی ارزیابی، ارزیابی سریع روستایی

1. Participatory Rural Appraisal = (PRA)
2. Handing Over the stick

مقدمه

امروزه به طور گسترده‌ای مشارکت را به عنوان فلسفه و شیوه توسعه توصیه می‌کنند (Cemea, 1985)، اما شکاف بین متون متداول و واقعیت میدانی در این زمینه همچنان باقی است. یک سلسله از رویکردهای محلی که در اوایل دهه ۱۹۹۰ درهم آمیخته، تکامل یافته و گسترش پیدا کرده، عنوان ارزیابی مشارکت روستایی را بر خود دارند. در گذشته یک دسته از رویکردها و متدهای درحال رشد که افراد محلی (روستایی یا شهری) را به بیان، بهبود، تشریح مساعی و تحلیل دانش‌شان از زندگی و شرایط برنامه‌ریزی و عمل به آن قادر می‌ساخت توصیف می‌کرد. ارزیابی مشارکتی روستایی منابع بسیاری دارد. سهل‌الوصول‌ترین منبع آن ارزیابی سریع روستایی می‌باشد که از آن نشأت گرفته است. ارزیابی سریع روستایی نیز خود در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ به عنوان پاسخی به مشاهدات مغرضانه از توسعه توریسم روستایی (بازدید کوتاه از مناطق روستایی توسط متخصصان شهری) و بسیاری از نواقص و هزینه‌های کلان روش‌های آمارگیری پرسشنامه‌ای مطرح شد (Camuthers and Chambers, 1981, Chambers, 1980, 1981, Longhurst). ارزیابی مشارکتی روستایی نقاط مشترک بسیاری با ارزیابی سریع روستایی دارد اما اساساً در مالکیت اطلاعات و ماهیت فرایندها متفاوت می‌باشد؛ در ارزیابی مشارکتی روستایی اطلاعات بیشتر توسط افراد محلی به عنوان بخشی از فرایند جمع‌آوری داده‌ها استخراج می‌شود؛ در روش ارزیابی مشارکتی روستایی اطلاعات بیشتر توسط افراد محلی به عنوان بخشی از فرایند واگذاری امور، تولید، تحلیل، مالکیت و اشتراک صورت می‌گیرد. رویکرد ارزیابی مشارکتی روستایی با رویکردها و روش‌های پیشین نقاط اشتراک بسیاری داشته و از آنها منتج شده است. از جمله این اشتراکات، عبارتند از این ایده که افراد محلی می‌توانند و باید انجام دهند ارزیابی و تحلیل از خود را که در تحقیق مشارکتی فعال یافت می‌شود (Freire, 1968)؛ بسیاری از روش‌های رسم نمودار از روش تحلیل سیستم‌های کشاورزی گرفته شده است (1987, 1986 Conway, 1985: Gypmantasiri et al.)؛ اهمیت تقسیم‌بندی تفاهم و تمایز رفتار ناآگاهانه به رفتار آگاهانه، کاربرد انسان‌شناسی اجتماعی و مفهوم پیچیدگی، تنوع و خطرپذیری نظام‌های کشاورزی و شرایط زندگی فقرا، از نظام‌های تحقیقی کشاورزی اخذ شده است (e.g., 1982 Shaner, Philipp and Schmehl, Gilbert, Norman and Winch, 1980). ارزیابی مشارکتی روستایی از این روش‌ها منتج شده و اشتراکات فراوانی با آنها دارد.

روش‌های توسعه‌یافته‌تر و امتحان شده ارزیابی مشارکتی روستایی عبارتند از نقشه‌برداری و مدل‌سازی، تحلیل‌های فرابخشی، رتبه‌بندی ماتریسی، دسته‌بندی و رتبه‌بندی سلامت، تقویم‌های فصلی، نمودارسازی سازمانی، روند و تحلیل تغییر، نمودارسازی تحلیل همگی توسط افراد محلی اجرا شدند. از بین بسیاری از کاربردهای آن، روش ارزیابی مشارکتی روستایی در مدیریت منابع طبیعی (حفظ خاک و آب، جنگلداری، شیلات، حیات وحش، برنامه‌ریزی

روستایی و غیره)، کشاورزی، سلامت، تغذیه، امنیت غذایی و برنامه‌هایی برای فقرا به کار رفته است (RRA Notes, 1988: IDS, 1993).

تا اوایل ۱۹۹۴ فعالیتهایی با عنوان ارزیابی مشارکتی روستایی در اشکال مختلف در بیش از چهل کشور جنوبی گسترش یا تکامل یافته بود، از جمله بنگلادش، بولیوی، بوتسوانا، برزیل، بورکینافاسو، کامبوج، کامرون، شیلی، کلمبیا، کاستاریکا، اکوادور، مصر، اتیوپی، گامبیا، غنا، گواتمالا، هندوراس، هند، اندونزی، اردن، کنیا، مالی، موریتانی، مکزیک، نامیبیا، نپال، نیجریه، پاکستان، فیلیپین، سنگال، سیرالئون، آفریقای جنوبی، سری لانکا، سودان، تانزانیا، اوگاندا، ویتنام، زامبیا و زیمبابوه. ارزیابی مشارکتی روستایی همچنین از جنوب استرالیا، کانادا، آلمان، نروژ، سوئیس و بریتانیا گسترش یافت. بسیاری از نوآوری‌ها در بخش سازمان‌های غیردولتی (NGO) به ویژه در هند و کنیا بوده است اما به طور فزاینده‌ای آژانس‌های دولتی از رویکردها و روش‌های ارزیابی مشارکتی روستایی استفاده می‌کنند. همچنین به طور روزافزونی دانشجویان تحصیلات تکمیلی، تحقیقاتشان را با روش ارزیابی مشارکتی روستایی انجام می‌دهند و دانشکده‌های بیش از ۲۰ کشور بدان علاقه نشان داده‌اند. از نظر تجربی، ارزیابی مشارکتی روستایی قدرتمند و پرتفردار نشان داده است. این مقاله سعی دارد تا به تحلیل و ارائه اصول، بینش‌ها، اعتبار، قابلیت اتکا و شیوه ارزیابی مشارکتی روستایی و سعی در درک ماهیت قدرت و محبوبیت آن بپردازد.

اصول ارزیابی مشارکتی روستایی

مشخص شده است که رویکردهای ارزیابی سریع روستایی و ارزیابی مشارکتی روستایی موجود، متخصصین و تسهیل‌کنندگان را ملزم به پیروی از اصول اولیه‌ای می‌سازد. برخی از این اصول بین ارزیابی مشارکتی روستایی و ارزیابی سریع روستایی مشترک است و برخی هم در روش ارزیابی مشارکتی روستایی تکامل یافته و تأکید شده است. اصول ارزیابی مشارکتی روستایی و ارزیابی سریع روستایی بیشتر استنتاجی هستند تا استخراجی: این اصول با آزمودن شیوه‌ها، یافتن شیوه‌های کارآمد و ناکارآمد و طرح چرایی آن به دست آمده‌اند. متخصصین اصول متفاوتی را برای ارزیابی سریع روستایی و ارزیابی مشارکتی روستایی برخواهند شمرد (Conway, 1988; 1987, see e.g., Gueye and, Grandstaff and Lovelace, 1987, Grandstaff and) (Freudenberger, McCracken, Pretty and) که در طول زمان تکامل یافته‌اند. اما اکثر آنها موارد زیر را قبول داشته و خواهند داشت.

الف - اصول مشترک بین ارزیابی سریع روستایی و ارزیابی مشارکتی روستایی

- ۱- وارونه‌سازی یادگیری، یادگیری از افراد محلی، مستقیماً و در محل و رودرو، آگاهی نسبت به دانش اجتماعی، تکنیکی و فیزیکی آنها.
- ۲- یادگیری پیوسته و سریع، با بررسی جدی، استفاده انعطاف‌پذیر از روش‌ها، فرصت‌طلبی،

بدیهه‌سازی، تکرار و مقایسه، پیروی نکردن از برنامه‌ی از پیش تعیین شده اما تطبیق‌پذیری در فرایند یادگیری.

۳- کنار گذاشتن تعصبات، به ویژه آنهایی که مربوط به توسعه توریسم روستایی می‌باشند با راحت بودن و هجوم نبردن، گوش دادن و سخنرانی نکردن، جستجو به جای گذاشتن و وارد شدن به موضوع بعدی. بی‌اهمیتی به جای مهم جلوه داده خود و یافتن افراد فقیرتر و زنان و آگاهی از نگرانی‌ها و اولویت‌های آنها.

۴- تعدیل توازن، نسبت دادن هزینه‌های یادگیری به مفید بودن اطلاعات، موازنه بین کمیت، ارتباط، دقت و نظم.

۵- دانستن اینکه چه چیزی ارزش دانستن ندارد و سپس نرفتن به دنبال آن و به اندازه‌ی کافی نارسا

۶- اندازه نگرفتن آن چیزی که لازم به اندازه‌گیری نیست یا بیش از آن وقتی که مورد نیاز است، به پیروی از دستورالعملی که به کینز نسبت داده‌اند که تقریباً درست گفتن بهتر از کاملاً غلط بودن است.

- مثلث‌سازی^۲ (Guuey and , 1987 , Grandstaff , Grandstaff and Lovelac , 1991 , Freudenberger) مقایسه و یادگیری پیشرونده و تخمین زدن از طریق جمعی، شامل سنجش و مقایسه یافته‌های مختلف اغلب از سه مورد:

الف - روش‌ها، نوع روش‌ها یا شرایط موجود، نقاطی در دامنه یا توزیع و تحلیل گران گروهی یا فردی

ب - مکان‌ها، زمان‌ها و رشته‌ها

ج - محققین یا بررسی‌کنندگان یا پرسش‌کنندگان و ترکیبی از این‌ها می‌باشد.

یافتن تنوع، یعنی جستجو و یادگیری از استثنائات، عجایب و تضادها و هزینه‌ها در هر توزیعی. این را به صورت جستجو برای متغیر به جای میانگین بیان کردند (Beebe , 1987)، در استرالیا با نام اصل گوناگونی حداکثری از آن یاد شده یا "حداکثرسازی تنوع و غنای اطلاعات" (Dunn and McMillan, 1991). ممکن است شامل نمونه‌گیری هدفمند در مفهومی غیر آماری باشد. آن سه از مثلث‌بندی فراتر می‌رود زیرا عمداً به دنبال توجه و بررسی تضادها، عجایب و تفاوت‌ها و شامل تحلیل‌های موردی منفی می‌باشد.

ب - اصولی که علاوه بر موارد فوق در ارزیابی مشارکتی روستایی تأکید شده‌اند

از بین این اصول مشترک ارزیابی مشارکتی روستایی، تأکید بیشتر بر کنار نهادن تعصبات و تغییرات منسوب به رفتار افراد خارجی دارد. علاوه بر آن ارزیابی مشارکتی روستایی در عمل چهار اصل دیگر نیز از خود به نمایش می‌گذارد:

1. Keynes
2. Triangulating

آنها آن را انجام می دهند: تسهیل سازی تحقیق، تحلیل، ارائه و یادگیری توسط خود افراد محلی، به طوری که آنها خود مالک و تولید کننده ی در آمدها بوده و علاوه بر آن یاد هم می گیرند. این را با عبارت "واگذاری عصا" (یا خودکار یا گچ) توصیف کرده اند. این کار نیازمند این اطمینان است که "آنها می توانند انجام دهند". اغلب تسهیل کننده یک فرایند ارزیابی مشارکتی را آغاز کرده و سپس سر جای خود می نشیند یا به دنبال کار خود می رود و سعی در مصاحبه یا دخالت ندارد.

آگاهی از انتقاد نسبت به خود: یعنی این که تسهیل کنندگان پیوسته و منتقدانه رفتارهای خودشان را بررسی می کنند. شامل پذیرفتن اشتباهات - قبول خطا به عنوان فرصتی برای یادگیری؛ رویارویی مثبت با شکست - و تصحیح رفتار غالب.

مسئولیت شخصی: استفاده کنندگان از روش ارزیابی مشارکتی روستایی گرایش دارند به پذیرفتن مسئولیت شخصی برای آن چه که انجام می شود به جای این که بر قدرت دستورالعمل ها یا سلسله قوانین خشک تکیه کنند. این روح کلمات دستورالعملی یک جمله ای است (Peters, 1989; KGVK, 1991) "در تمامی اوقات قضاوت خود را به کاربندید".

تشریک: از اطلاعات و ایده های بین افراد محلی، بین آنها و تسهیل کنندگان خارجی و بین متخصصین مختلف (مشوقین کپی برداری و عدم اختیار) و شریک شدن در کمپ های میدانی، آموزش و تجربیات بین سازمان ها، نواحی و کشورهای مختلف.

جالب است که اصول مشترک بین ارزیابی سریع روستایی و ارزیابی مشارکتی روستایی بیشتر معرفت شناسانه هستند یعنی مربوط به بدست آوردن اطلاعات و یادگیری دانش ها می باشد در حالی که آن دسته از اصولی که مربوط به ارزیابی مشارکتی روستایی می باشد عمدتاً شخصی، مربوط به رفتار و ویژگی های افراد خارجی می باشد. این تضاد، ترکیب ارزیابی مشارکتی روستایی را بر چگونگی تعامل افراد خارجی با افراد محلی نشان می دهد.

کشفیات ارزیابی مشارکتی روستایی

متخصصین ارزیابی مشارکتی روستایی فکر می کنند حوزه جدیدی را گشوده اند. اما هر مورخی می داند که این طورها هم نیست و آنچه که به نظر "کشفیات" روش شناختی می آید اغلب کشف شده های مجددی بیش نیستند (همان طور که در Rhoad آمده، ۱۹۹۲) به هر حال آن چه بر سر آن مناقشه ای نیست این است که متخصصین ارزیابی مشارکتی روستایی اغلب و در ابتدا از آن چه رخ می دهد شگفت زده می شوند و حالتی از کشف شخصی یا چیزی غیر منتظره به آنها دست می دهد. برای درک این موضوع لازم است که نگاهی دقیق تر به تضاد بین روش تحقیق سنتی و ارزیابی سریع روستایی از یک طرف و ارزیابی مشارکتی روستایی از طرف دیگر انداخته شود. تفاوت های عمده ای بین جمع آوری اطلاعات استخراجی روش سنتی و ارزیابی سریع روستایی و روش مشارکتی در ارائه تحلیل و تشریح ارزیابی مشارکتی روستایی در رفتارها و نقش ها و ویژگی های ارزیابی مشارکتی روستایی دیده می شود. آنها

برنامه را تعیین می کنند، اطلاعات را بدست آورده و در اختیار می گیرند، آن را حذف می کنند، آن را دسته بندی و تحلیل می کنند، برنامه ریزی می کنند و مقاله و گزارش می نویسند. افراد خارجی می آیند تا اطلاعات را بدست آورده و آن را تصاحب کنند، آنها جمع می کنند، گردآوری می کنند، تحلیل می کنند، تنظیم می کنند، نتیجه گیری می کنند. در عوض در ارزیابی مشارکتی روستایی این ها عمدتاً برعکس می شوند. افراد خارجی افراد محلی را ترغیب کرده و به آنها اجازه می دهند تا غالب شده و قسمت اعظم برنامه را تعیین کنند، اطلاعات را جمع آوری کنند، توصیف و تحلیل کنند و برنامه ریزی کنند. افراد خارجی تصحیح کننده و یادگیرنده و مشاورند. فعالیت های آنها در جهت ایجاد حسن تفاهم و تسریع، تفهیم، پرسش و کمک در استفاده از روش ها و در جهت ترغیب افراد محلی به انتخاب، ابداع فی البداهه روش ها برای خودشان است. افراد خارجی مشاهده، گوش و یاد می گیرند و به بیان دیگر برخی اوقات آنها واقعاً عصای حکمت را تقدیم می کنند. از اینرو بسیاری از کارهایی را که قبلاً خارجی ها انجام می دادند افراد محلی انجام می دهند (و اغلب بر این باور بودند که آنها می توانند انجام دهند). افراد محلی نقشه ها و مدل ها را می سازند؛ تمامی بخش ها را زیر پا می گذارند و مشاهده می کنند؛ نمودار می کشند و تحلیل می کنند؛ اطلاعات را ارائه می کنند؛ برنامه ریزی می کنند. در نتیجه آنها بیشتر مراحل بررسی را در اختیار دارند و قسمت اعظم اطلاعات را نگهداری و صاحب می شوند و قویاً از آنها خواسته می شود تا اولویت های شان را برای اقدام، شناسایی کنند و سپس آن اقدامات را کنترل و تعیین کنند. ماهیت مشارکتی ارزیابی مشارکتی روستایی باعث دمیدن روح تازه ای در جان روش ها شده است. برخی از تسهیل کنندگان باهوش تر ارزیابی مشارکتی روستایی از نبود دستورالعمل های مشخص لذت برده اند. بنابراین مشارکت باعث تنوع می شود. افراد محلی در تفسیر، بکارگیری، گاهی اوقات در ابداع روش ها شرکت می کنند. افراد محلی و خارجی هر دو ترغیب به فی البداهه سازی می شوند. هر دفعه کاری که انجام می شود متفاوت و حاصل تعاملی خلاقانه است. در نتیجه دوره چهار ساله ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳ شاهد ابداعات بوده و بویژه در هند بینش های جدیدی پدید آورده است. از بازنگری ابداعات مشارکتی این سال ها یافته خودنمایی می کند که برخی از آن چه را که در مورد ارزیابی مشارکتی روستایی جدید و متفاوت به نظر می آید را توصیف می کند: توانایی های افراد محلی، ارزش برقراری حسن تفاهم، نمودار سازی و تشریح دیداری، قدرت توالی روش ها.

الف - توانایی افراد محلی

اولین یافته این بود که روستاییان نسبت به خارجی ها که عمدتاً تصور می شد تواناترند توانایی بیشتری در نقشه سازی، مدل سازی، مشاهده، اندازه گیری، برآورد، مقایسه، رتبه بندی، امتیازدهی و نمودار سازی دارند. مدل سازی و نقشه برداری مشارکتی (Mascarenhas and Kumar, 1991) یافته های قابل توجهی بود. تحقیق قبلی بر روی نقشه های ذهنی (Gould and White, 1974) نشان دهنده ی غنای جزئیات و تفکیک بیان شده توسط روستاییان هندی و در دیگر جاها از

طرق نقشه برداری مشارکتی بوده، چیزی که لااقل از اوایل دهه ۸۰ میلادی شناخته شده بود (Kenyon, 1983). یک فرضیه ممکن این است که در مجموع روستاییان جنوبی نقشه های ذهنی جامع تر و دقیق تر نسبت به شهرنشینان شمالی دارند که منبع اصلی بینش شان بود؛ و اینکه وقتی شرایط و امکانات کامل به آنها داده شود، آنها می توانند آن را به خوبی در روی زمین یا کاغذ به صورت نقشه یا مدل های سه بعدی به تصویر بکشند (مثلاً از باتلاق ها). کلبه ها، خانه ها و ساکنان روستا (نقشه های اجتماعی، آماری و بهداشتی)، ناحیه دربرگیرنده روستا (مدل ها و نقشه های منابع) یا اطلاعات تخصصی (نقشه های موضوعی یا مضمونی) را نشان داده اند. تا اوایل ۱۹۹۴، هزاران نمونه از چنین نقشه ها و مدل ها در بیش از ۳۰ کشور تهیه شده بود. همانند نقشه برداری، در مورد برآورد، کمی سازی، مقایسه، رتبه بندی، نمره دهی و نمودار سازی، افراد محلی نشان داده اند که در تولید و تحلیل اطلاعات بسیار فراتر از انتظارات حرفه ای و معمول نشان داده اند. مثلاً، وقتی که تسهیل کنندگان افراد محلی را در معرض موقعیت ها و روش ها قرار دادند تا موقعیت ها، مشکلات و فرصت ها را آن گونه که درک می کنند رتبه بندی کنند، آنها شروع به تحلیل کرده و ترجیحات و خود را اظهار داشته اند - برای بهبود سیستم های کشاورزی، مدیریت و استفاده از منابع عمومی، برای زندگی بهتر، برای بهداشت، برای ترکیب گونه ها در نهالستان ها، برای کیفیت گونه های جدید غلات، برای سازگاری، برای اقدامات توسعه در جوامع شان و غیره. برای به فعل درآوردن این توانمندی ها گفته شده، اصل عملی باید چنین فرض کند که مردم می توانند تا وقتی که خلاف آن ثابت شود. مدل سازی و نقشه کشی مشارکتی، نمودار سازی و ن، ماتریس رتبه بندی و نمره دهی و دیگر روش ها نیز از این این قاعده مستثنی نبوده و وابسته به فرهنگ یا سطح سواد نیست. کشف دیگری که صورت گرفته این است که افراد محلی از قبل با رویکرد و روش های ارزیابی مشارکتی روستایی آشنا بوده اند. تسهیل کنندگان مؤثر (1991 Shah, Bharadwaj and Ambastha) و بلکه در اغلب موارد بهتر از افراد خارجی بوده اند. برنامه حمایتی روستایی آقاخان هند (AKRSP) دریافت که داوطلبان روستایی تربیت شده شان، توسط دیگر روستاها دعوت شده اند تا به عنوان تسهیل کنندگان / مشاوران به آنها کمک نمایند. حتی معلوم شد که یکی از داوطلبان روستایی به کارکنان AKRSP و دولت نوشته که آنها می خواهند یک ارزیابی مشارکتی روستایی را اجرا کنند اما لازم نیست که شما بیایید در تمامی اینها، هم روش های مشارکتی و هم عناصر آشنای محلی، افراد محلی را قادر به بیان و تحلیل دانسته ها و اولویت هایشان نمایید.

ب - رفتار و سازگاری

کشف دوم، اهمیت رفتار افراد خارجی و سازگاری یافتن و برقراری رابطه در مراحل اولیه است. سازگاری در تسهیل مشارکت بسیار مهم است. سازگاری راحت بین خارجیان و روستاییان، کمی اعتماد، حداقل شرایط اولیه برای ارزیابی مشارکتی روستایی است. در گذشته

دو نوع تعامل افراطی بین خارجیان و محلی‌ها باعث از دست رفتن فرصت‌های عمده‌ای شده است. توریست فاقد نگرش انتقادی نسبت به خود، و سرزده، و بدون حساسیت لازم، برای رسیدن به حلدی فراتر از درک دو جانبه رسمی؛ برخی از انسان‌شناسان باریک‌بین آنچنان دقت و حساسیتی را به خرج داده و به این باور رسیده‌اند که تنها از طریق اقامت طولانی می‌توان رابطه و سازگاری خوب و مطلوبی را به دست آورد. مقایسه دو "فرهنگ" - بازدیدکننده سریع و شرکت‌کننده ساکن - مشاهده‌گر - پتانسیل موجود برای دست‌یابی به سازگاری مناسب را در همان ابتدا مخفی کرده‌اند، سازگاری که به اندازه کافی سریع و در عین حال آن قدر صادقانه، برای شریک شدن در اطلاعات و ارزش‌ها است. برای کسی که در توسعه روستایی آبدیده شده (کارمند ارشد: خودم در یک روستا بزرگ شدم، من خودم کشاورزم، نمی‌توانی به من دروغ بگویی) این غیر ضروری است: او (اکثرأ مرد) می‌داند و فرض می‌کند که او سازگاری خودکار با تمام افراد روستایی دارد. برای یک انسان‌شناس اجتماعی (پروفسور دانشگاه: یک سال طول کشید تا آنها به من بگویند که) این به نظر توهین‌یابنده است: دیگران در مدت زمان کوتاهی آن چیزی را به دست آورند که برای او (اغلب زن هستند) مدت زمان زیادی طول کشیده است. برای هر کسی که ماه‌ها اقامت کرده و زبان و زندگی جدیدی را آموخته، چنین چیزی غیرممکن و حتی ناخوشایند بیاید که دیگران راه‌هایی را برای برقراری ارتباط بیابند و با تفریح و سرگرمی و مشارکت به اطلاعات، سریع‌تر دست یابند. از نظر تجربی، یافته‌های ارزیابی مشارکتی روستایی بارها و بارها نشان داده که اگر رفتار و نگرش اولیه خارجیان راحت و درست باشد و اگر فرایند به خوبی شروع شود، روش‌های ارزیابی مشارکتی روستایی به خودی خود باعث توافق و سازگاری بیشتر می‌شود. رفتارهای اولیه توسط خارجیان می‌تواند شامل صداقت، شفافیت درباره اینکه آنها که هستند و چه می‌کنند؛ شرکت در فعالیت‌های محلی، یادگیری و انجام کارهای محلی؛ ویژگی‌های اخلاقی که لازم است، فروتنی، احترام، صبر، علاقه به چیزهایی که مردم می‌گویند و نشان می‌دهند: قدم زدن در اطراف و عجله نکردن، توجه کردن، گوش دادن، تماشا کردن و مداخله نکردن. محلی‌ها به سرعت در فعالیت‌هایی مانند مدل‌سازی و نقشه‌کشی و رتبه‌بندی ماتریسی غرق می‌شوند. بالعکس با پرسشنامه آنها به آسانی اطلاعات را در اختیار نمی‌گذارند تا برده شود. اطلاعات مال آنهاست. آنها مالک آن هستند اما آن را سهم می‌شوند. آنها اغلب از خلاقیت در آنچه انجام می‌دهند به وجود می‌آیند و از آن چیزی که در طول فعالیت‌هایشان می‌بینند درس می‌گیرند. رضایت، سرگرمی و کاربرد آنچه را که به شروع آنها کمک کرده است خود را با آن منطبق و سازگار می‌کنند. روش‌های ارزیابی مشارکتی روستایی با تقویت آن فرایند، مشارکت را غنی‌تر کرده و آن را حفظ می‌کنند.

ج - نمودار سازی و تشریح دیداری

کشف سوم، محبوبیت و قدرت نمودار سازی و تشریح دیداری مشارکتی است. نمودار سازی و تشریح دیداری از جمله عناصر مشترک اکثر برنامه‌های ارزیابی مشارکتی روستایی است. با پرسشنامه، اطلاعات توسط خارجیان تصاحب می‌شود. آن از کلام مصاحبه‌شونده به کاغذ پرسشنامه منتقل می‌شود. یادگیری یک دفعه رخ می‌دهد. اطلاعات شخصی و خصوصی توسط مصاحبه‌کننده تصاحب می‌شود. در عوض، در تشریح دیداری یک نقشه، مدل، نمودار، یا واحدها (سنگ‌ها، تخم‌ها، میوه‌های

کوچک و غیره) رتبه‌بندی، نمره‌دهی، شمارش یا کمی‌سازی و تمامی کسانی که حاضر هستند می‌توانند ببینند، اشاره کنند، بحث کنند و اشیاء موجود را تغییر دهند. سه جنبه‌سازی با افرادی رخ می‌دهد که یکدیگر را کنترل و اصلاح می‌کنند. یادگیری پیش‌رونده است. اطلاعات قابل دیدن، نیمه دائمی و عمومی، کنترل، تأیید، اصلاح، اضافه و تصاحب می‌شود به وسیله شرکت‌کنندگان. مثلاً در مدل‌سازی مشارکتی، روستاییان روستاهایشان و منابع‌شان را ترسیم می‌کنند و تصمیم می‌گیرند که چه چیزی را بگنجانند و بر سر اضافه یا تعدیل جزئیات، بحث می‌کنند. هر کسی می‌تواند ببیند که چه گفته می‌شود زیرا آن نشان داده شده است. در نمودارسازی مشارکتی، اطلاعات به صورت نمودار درمی‌آید تا به عنوان نمونه نشان‌دهنده تغییرات فصلی در ابعادی مانند بارندگی، کار کشاورزی، درآمد، بدهی، تهیه غذا و مهاجرت باشد. از کاغذ می‌توان برای رسم نمودار استفاده کرد اما زمین یا دیگر مواد محلی این مزیت را دارد که مال آنهاست، رسانه‌ای که روستاییان چه باسواد چه بی‌سواد، می‌توانند با اعتماد آن را تغییر دهند. همچنین، نمودار نشان‌دهنده لیست کنترلی یا برنامه زمانی است که مال آنهاست.

د - توالی‌ها

کشف چهارم، قدرت و محبوبیت توالی روش‌های مشارکتی است. برخی از روش‌های مشارکتی در گذشته شناخته شده و استفاده می‌شد (Rhoades, 1999). حال روش‌های جدیدی نیز وجود دارد، اما شاید نکته جالب توجه این است که قدرت، ترکیبی از توالی‌هاست (Shah, 1991). به عنوان مثال:

- با نقشه‌کشی مشارکتی، روستاییان نه یکی بلکه چندین نقشه ترسیم می‌کنند که پیوسته دارای جزئیات بیشتر و مفیدتر می‌شود یا دربردارنده اطلاعات تکمیلی هستند. سپس از نقشه به عنوان مرجع برای دیگر طرح‌ها استفاده شده و توسط روستاییان بررسی و ارزیابی و نگهداری می‌شود.

- نقشه‌کشی اجتماعی اسامی را برای لیست برداری خانه‌ها، نشان‌دادن جمعیت، گروه اجتماعی، سلامت و دیگر ویژگی‌های خانوار به کار می‌برد. این می‌تواند موجب شناسایی اطلاعات کلیدی شده و سپس منجر به برگزاری بحث با آنها شود.

- یک نقشه منابع مشارکتی می‌تواند منجر به طرح‌ریزی پیمایش‌هایی شود که در آن روستاییان نقشه را کشیده‌اند و به عنوان راهنمای خارجی‌ها عمل کنند. این بازدیدها موجب شناسایی مشکلات و فرصت‌ها می‌شود، سپس منجر به لیست برداری و رتبه‌بندی و گزینه‌ها می‌شود.

- یک نقشه منابع مشارکتی از ناحیه جنگلی مخروبه و آمارگیری از قطعات زمین جنگلی توسط روستاییان می‌تواند منجر به محاسبه‌ی تعداد درختان مورد نیاز برای کاشت شود. بحث و تبادل نظر می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری افراد درباره تعداد لازم از گونه‌های مختلف برای کاشت شود (Meera Shah, personal communication).

- یک نقشه اجتماعی روستا لیستی بهنگام از خانوارها فراهم می‌کند که می‌تواند برای بهزیستی یا رتبه‌بندی سلامت خانوارها بکار رود که به نوبه‌ی خود منجر به تمرکز بر روی دسته‌های مختلفی از افراد شود که اولویت‌هایشان را بیان می‌کنند و سرانجام منتهی به بحث و تبادل نظر و توافق بر سر اولویت‌ها شود (Mukherjee, 1992, Swift and Umar, 1991).

- نمره‌دهی ماتریسی باعث حذف معیار ارزشی دسته‌ای از موارد توسط روستاییان می‌شود

(درختان، سبزیجات، علف‌ها، انواع غلات یا منابع حیوانی معتبر، بازدهی بازار، انواع سوخت‌ها و ...) که منجر به بحث درباره‌ی ترجیحات و اقدامات لازم می‌گردد.

- توالی‌های طولانی‌تری در ارزیابی مشارکتی روستایی کامل‌تر طراحی و استفاده شده است. در کنیا اینها بخشی از یک توالی تدریجی بوده‌اند (PID and NES, 1989). در هند، مثلاً درباره‌ی AKRSP، توالی‌ها کمتر طراحی شده و بیشتر به صورت بداهه‌سازی و از طریق توالی‌های خاصی بوده است. مثلاً برای ارزیابی، برنامه‌ریزی و اقدام درباره‌ی جنگل‌های مخروطیه، یا در شناسایی کار با فقیرترین‌ها. قدرت چنین توالی‌ها در چهار لایه است: اول میزان تعهد مشارکت کنندگان افزایش می‌یابد و اقدامات بیشتری را محتمل می‌سازد، همچنین ناگهانی‌تر بوده و دوام بیشتری دارد. دوم، توالی‌ها سه جنبه می‌شوند و خطاها یا حذفیات قبلی را آشکار می‌سازند (Pretty, 1992). سوم، فعالیت‌های کاملاً مختلف فرایندهای با یکدیگر دارند، هر فعالیتی بعد یا جزئیاتی را اضافه می‌کند که بقیه را تقویت می‌سازد طوری که وقتی همه با هم در نظر گرفته شوند نتیجه، بیشتر از مجموع اجزاء خواهد بود. چهارم، تمامی افراد درگیر، در طی فرآیند یاد می‌گیرند، از طریق افراد محلی دانسته‌های خود را شریک می‌شوند همچنین از طریق مشاهده و تجزیه و تحلیل در روش‌های این چنینی، روش‌های مشارکتی به خوبی با فرایند یادگیری انعطاف‌پذیر، سازگار بوده و بسیار بیشتر از ارزیابی مشارکتی روستایی قبلی قدرت انطباق دارد، همچنین این مزیت را هم دارد که افراد محلی را قادر می‌سازد از مقولات و معیارهای خود استفاده کنند تا برنامه‌ی خودشان را تولید کرده و اولویت‌های خود را محاسبه و نشان دهند.

صحت و قابلیت اعتماد

برخی از تسهیل‌کنندگان ارزیابی مشارکتی روستایی از حس آزادی و کشف خود سرمست شده‌اند. ارائه و تحلیل اطلاعات دقیق در نقشه‌ها، مدل‌ها، ماتریس‌ها، نمودارها و مانند آنها توسط افراد محلی، آنها را آنچنان تحت تأثیر قرار داده که باعث ایجاد پیش‌داوری‌هایی شده و بر عقاید و رفتار آنها تأثیر گذاشته است. جدول ۱ را برای اظهارات افراد NGO ببینید. تجربه شخصی، شاهدهی قانع‌کننده است.

جدول ۱- اظهار نظر کارکنان NGO

من داشتم برای ۸ سال در این روستا کار می‌کردم اما مشابه چنین چیزی را مشاهده نکرده‌ام.	بعد از مشارکت
من دیگر هرگز از پرسشنامه استفاده نخواهم کرد.	تجربیات بعد از ارزیابی مشارکتی روستایی
من به مدت ۶ ماه سعی داشتم تا این اطلاعات را از این روستا به دست آورم و حالا ما آن را در عرض دو بعد از ظهر به دست آوردیم.	پس از آموزش ارزیابی مشارکتی روستایی

منبع: یافته‌های حاصل از پژوهش

قابلیت اعتماد و صحت را می توان از طریق راه های معمولی تر نیز سنجید. صحت در اینجا به معنی نزدیکی یافته ها به واقعیت است و قابلیت اعتماد یعنی ثبات یافتگی. یافته های بسیار درست قابلیت اعتماد بالایی نیز دارند اما وقتی که تعصب سیستماتیکی در کار باشد، قابلیت اعتماد می تواند بسیار بالا باشد اما صحت کم. صحت و قابلیت اعتماد ارزش های مطلق نیستند و می تواند تعدیل هایی صورت گیرد از طریق چشم پوشی مطلوب، بی دقتی مناسب، جایی که قابلیت اعتماد و صحت کمتر می تواند به صرفه باشد و باعث افزایش کاربرد، از طریق هزینه های کمتر یا ارتباط بیشتر یا به موقع بودن شود.

بسیاری از آمارگیری های پرسشنامه ای، هر نوع سنجش ارزیابی سریع روستایی و ارزیابی مشارکتی روستایی را با استانداردهای مقایسه ای، کمتر فراهم می سازد. (برخی پیمایش های تکرار شده یا روزمره مانند پیمایش نمونه ملی^۱ در هند و برخی از پیمایش های آماری ملی، شاید جزء این استثنائات باشند.) منتقدان پیمایش های پرسشنامه ای محلی اغلب طراحي، اجرا و تحلیل آن را بد می دانند (Campbel, Shrestha and Stone, 1979, Daane, 1987, Gill, 1993 see, e.g., Moris, 1970). حتی خیلی کم پیش می آید که پیمایشی تحت نقد دقیق برای بررسی نتایج از نظر تعصب آمارگیر، برخورد با پرسشگر به عنوان متغیر مستقل یا برای بررسی مشکلات متعدد متدولوژیکی ارائه شده در گزارش، قرار گیرد.

به هر حال، این دلیلی برای برخورد غیر انتقادی در سنجش صحت و قابلیت اعتماد روش ها و متدهای ارزیابی سریع روستایی و ارزیابی مشارکتی روستایی نیست. تست های مرسوم که بلافاصله اعمال می شوند بیشتر با ارقام و اندازه گیری ها سر و کار دارند. بنابراین بهتر است چهار حوزه ای را بررسی کنیم که در ارزیابی سریع روستایی و ارزیابی مشارکتی روستایی داده های عددی یا بینش هایی تولید کرده اند که می توان آن را با آنچه از پیمایش های پرسشنامه ای یا منابع استاندارد دیگر به دست آمده مقایسه کرد. اینها پیمایش های مزرعه ای و خانه ای، رتبه بندی سلامت و بهزیستی، آمارگیری روستایی و داده های بارندگی هستند.

الف - پیمایش مزرعه و خانه

در پنج مورد بین یافته های ارزیابی سریع روستایی و پیمایش پرسشنامه ای مرسوم مقایسه صورت گرفته است. پیمایش اکتشافی کالینسن^۲ (۱۹۸۱) از سیستم مزرعه داری، در بردارنده ی حدود ۲۰ روز کاری حرفه ای، هرگز توسط هیچ یک از پیمایش های طولانی مدت و بزرگتر که در ابعاد حرفه ای گسترده تری صورت گرفته، نقض نشده است. فرانزل و کراوفورد^۳ (۱۹۸۷) به طور سیستماتیک، پیمایش سریع و سبک را با پیمایش طولانی و سنگین در کنیا مقایسه کرده و تفاوت های معناداری را برای نسبت دادن به روش ها نیافتند. روشیلو^۴ و تیم اش

1. National Sample Survey
2. Collinson
3. Franzel and Crawford
4. Rocheleau

(Rocheleau et al., 1989, p. ۲۱) که در محیط جنگلی - کشاورزی در کنیا از یک سری مصاحبه‌های غیر رسمی کامل و مصاحبه‌های گروهی استفاده کردند و نتایج را با پیمایش رسمی از نمونه برداری تصادفی ۳۶ خانواری مقایسه کردند. آنها دریافتند که پیمایش رسمی ۳ برابر بیشتر وقت گرفته و همان نتایج اصلی را همانند مصاحبه‌های دسته جمعی با جزئیات و انسجام کمتر تولید کرده است (Rocheleau et al., 1989). انجلیس^۱ در سال (۱۹۹۰-۱۹۹۱) تیمی را رهبری کرد که دسته‌ای از تکنیک‌های ارزیابی سریع روستایی را برای گردآوری اطلاعات در جنگل‌های محلی سیرالئون رفته، ناحیه‌ای که قبلاً پیمایش پرسشنامه‌ای طولانی با ۲۷۸ سؤال در آنجا انجام شده بود. نتایج ارزیابی سریع روستایی چهار روز پس از پیمایش آخرین محل ارائه شدند اما نتایج پرسشنامه‌ای تا ۶ ماه پس از کار میدانی هنوز حاضر نبودند. مقایسه بین این دو نشان دهنده ضد و نقیض‌های زیادی بین داده‌های ارزیابی سریع روستایی و پرسشنامه بود تا حدی که یافته‌های پیمایش پرسشنامه‌ای زیر سؤال رفت. اگر اطلاعات غلط باشد، هیچ گونه دستکاری آماری نمی‌تواند مجریان پروژه را قادر به اتخاذ تصمیم‌های مطلوب سازد. در حالی که پیمایش ارزیابی سریع روستایی در مدت زمان کوتاهی آماده شده و نتایج به صورت گزارش‌های محلی خاص تولید شده و به تنهایی می‌توانند در پیمایش‌های بعدی مورد بحث قرار گیرند. همان طوری که تعصبات تحقیقی، اشتباهات و حذفیات پذیرفته شده‌اند و در انبوهی از کوه‌های پرسشنامه‌ای گم نشده‌اند و چگونه به بهترین گزینه رسیده‌ایم (Inglis, 1990). برناداس^۲ در سال (۱۹۹۱) گزارش می‌کند در ویسایاس شرقی، مصاحبه‌های پرسشنامه‌ای مشخصی ساخته که کاهش حاصل خیزی خاک حادترین مشکل کشاورزان است. برناداس توضیح می‌دهد که مجریان خودشان سؤال‌ها را بر اساس آنچه که احساس کرده بودند اولویت دارد تهیه کرده بودند. نواحی مشکل‌زا از قبل توسط نظر خارجی‌ها تعیین شده بود. دو سال تحقیق بر اساس یافته‌های پیمایش پرسشنامه‌ای با نیازها و شرایط کشاورزان تطبیق پیدا نکرد و فن‌آوری‌های ایجاد شده مورد استفاده آنها قرار نگرفت. سپس از روش ارزیابی سریع روستایی همراه با مصاحبه‌های غیر رسمی و گفتگوها و مصاحبه‌های باز با موضوعات باز استفاده شد. این‌ها منجر به این کشف شد که حادترین مشکل پیش روی کشاورزان، غیر مزروع ماندن زمین به مدت طولانی به علت رویش علف هرز است. پس از آن تحقیقات می‌توانست شروع شود. در این پنج مورد نتیجه رویکرد ارزیابی سریع روستایی در مقایسه با روش رسمی تر پرسشنامه، صحیح تر، کم هزینه تر، بهنگام تر و مفید تر بود. مثالی محتاطانه و بالعکس از بدترین موارد از هر دو روش است. پاتیر^۳ (۱۹۹۲)

1. Inglis

2. Bernadas

3. Pottier

پیمایش یک هفته‌ای از طریق مصاحبه با ۳۰ کشاورز انجام شده توسط محقق از زامبیای شمالی را تحلیل کرد و آن را با عنوان ارزیابی سریع روستایی توصیف کرد. پاتیر استدلال می‌کند که در چنین مصاحبه‌های شتابزده، عدم توجه به محیط، اینکه با چه کسی ملاقات می‌شود، چه چیزی گفته می‌شود و چرا می‌تواند منجر به نتیجه‌گیری‌های گمراه‌کننده شود، در این حالت که امنیت غذایی با ذرت در حال رویدن تقویت شده بود. به نظر می‌رسد که تحقیق شتابزده و اشتباه بوده است. درس‌های زیادی وجود دارد و از جمله اینکه مصاحبه‌های عجولانه یکباره احتمال گمراه کردن دارند، اینکه پاسخ‌دهندگان می‌توانند پاسخ‌هایی بدهند که در نتیجه ادب، نزاکت، خودشیرینی، قابل اعتماد ولی نادرست باشند در نتیجه به طور قانع‌کننده‌ای باعث اشتباه شوند.

ب - رتبه‌بندی

رتبه‌بندی و نمره‌دهی از مدت‌ها قسمتی از روش‌های انسان‌شناسانه بوده است. افراد جوامع دیگر، افراد یا خانوارها را به خاطر ویژگی‌های بسیار متفاوتی مانند خشونت، مست‌بودن، صنعتی بودن یا معمولاً با مفاهیمی مانند احترام، عزت، ثروت یا زندگی خوب رتبه‌بندی می‌کنند (1978 Pelt and Pelt).

رایج‌ترین روش، تقسیم دسته‌بندی کارت‌ها به صورت دسته‌ها است که توسط افراد محلی در خفا یا توسط گروه‌ها انجام می‌شود. افراد مطلع مختلف اغلب از تعدادی دسته‌های متفاوت برای یک جامعه استفاده می‌کنند، اما شواهد یافته شده، همبستگی بین رتبه‌بندی افراد مختلف متفاوت است. سیلورمن^۱ در سال (۱۹۶۶) دریافت که توافق زیادی در رتبه‌بندی نسبی اکثر افراد وجود دارد^۲ وقتی سه داده در یک جامعه ایتالیایی، خانوارها را بر اساس معیار پرستیز (Rispetto) خودشان تقسیم‌بندی کردند. هیل^۳ در سال (۱۹۸۶)، پیشنهاد می‌کند برای روستاییان، استانداردهای نسبی زندگی خانوار می‌تواند از اهمیت بسیار برخوردار باشد. براساس کار میدانی در آفریقای غربی و هند، او نتیجه‌گیری کرد که افراد محلی (مگر اینکه خودشان خیلی فقیر یا ناتوان باشند) بسیار دقیق‌تر قادر به سنجش ثروت نسبی یا بهزیستی اعضای جامعه خود از افراد شهری هستند. این نتایج حاصل رتبه‌بندی‌های بهزیستی یا ثروت است. گراندین^۴ (۱۹۸۸) دریافت که همبستگی‌های^۵ بین داده در ۱۲ مورد از رتبه‌بندی ثروت (از کل ۴۱ داده) میانگین ۰/۷۷ (دامنه ۹۶٪ - ۰/۵۹) است. همبستگی هر داده با نتیجه نهایی میانگین ۰/۹۱ (دامنه ۹۸٪ - ۰/۸۴) بود.

سیلورمن، هیل، گراندین همگی انسان‌شناسی اجتماعی هستند و انتظار بر این است که قبل از شروع کار رابطه خوبی برقرار کرده باشند. آزمایش این است که آیا با داشتن یا بدون داشتن آموزش‌ها و روابط یک انسان‌شناس، این روش همچنان قابل اعتماد و صحیح است. آنهایی که چنین آزمایش‌هایی را تسهیل کرده‌اند معمولاً آنها را آسان‌تر از آنچه که انتظار می‌رفت دریافته‌اند

1. Silverman
2. Hill
3. Grandin
4. Spearman's Rho
5. see RRA Notes

و معمولاً همبستگی زیادی را بین رتبه بندی های داده شده توسط مطلعین مختلف یا گروه های مختلف گزارش می دهند.

برخی رتبه بندی ها را از طریق بحث سه جانبه مطرح می کنند. سه داده هیل در نیجریه تناقض هایی بین یکدیگر به بحث گذاشته اند (هیل، ۱۹۷۲، ص ۵۹). در روش ارزشیابی مشارکتی روستایی دستورالعمل مشابه، MYRADA در هند جنوبی روش تقریب یابی را بسط دادند که در آن گروه ها جداگانه، خانوارها را رتبه بندی می کنند و سپس برای توافق بر سر اختلاف ها با یکدیگر ملاقات می کنند، روشی که برای انتخاب خانوارها در برنامه مبارزه با فقر انجام شد.

مقایسه ای بین پیمایش رسمی با رتبه بندی ثروت برای تشخیص فقرای محلی در سال (۱۹۹۲)، توسط (RUHSA) گروه کالج پزشکی مسیحی هند جنوبی انجام شد. پیمایشی با ساختار برنامه ای از قبل آزمایش شده برای ۴۱۲ خانوار توسط ۵ محقق با تجربه انجام شد که داده ها را درباره نوع خانه، تحصیلات، حرفه، مالکیت دارایی ها، تعداد لباس های هر شخص، درآمد سالانه و طبقه اجتماعی (کاست) گردآوری کردند. سپس دسته بندی توسط حرفه ای ها بر اساس فهرست ترکیبی محاسبه شده برای هر خانوار انجام شد. دسته بندی جمعی جداگانه ای از طریق رتبه بندی ثروت تسهیل شد و توسط گروه هایی از مردان و زنان انجام شد. در دسته بندی هایشان، تحلیل گران محلی، ملاحظه های گسترده تر و دقیق تری را در نظر آوردند، مانند انواع مالکیت زمین و اثاثیه زندگی، انواع و مقدار بدهی ها، ظرفیت بازپرداخت، انواع شغل های موقتی یا دائمی، عادت های بد، ظرفیت آموزش بچه ها. دو دسته بندی در ۶۲٪ خانوارها، موارد مطابقت داشت. حدود ۲۸ درصد از باقی مانده که دارای تناقض هایی بود توسط محققین ارشد با دقت در جزئیات بررسی شد حتی بررسی خانه به خانه. آنها دسته بندی جمعی را در ۹۲ درصد موارد درست تشخیص دادند. این تأیید می کند که دسته بندی جمعی از رتبه بندی ثروت دقیق است. همچنین محدودیت های دسته بندی حرفه ای به ویژه در برخورد با سطح اقتصادی نشان می دهد (RUHSA, 1983).

سلامتی و شرایط جسمی عامل پیچیده ای هستند. دوباره و دوباره، تحلیل گران برای برخی از مفاهیم بهزیستی با در نظر گرفتن سلامتی و شرایط اقتصادی، رتبه بندی می کنند. تحقیق در بنگلادش که قصد داشت سلامتی و ثروت را در دو طرح بررسی کند میزان قابل توجهی از ثبات بین رتبه بندی های مردان و زنان از ثروت یافته، اما دسته بندی ها برای سلامت تنها در حدود ۴۰٪ موارد ثبات داشت (Adams, Roy and Mahbub, 1983)، تفاوتی که جای بررسی دارد.

مثال دیگر رتبه بندی ارزش ۳۰ گیاه خوردنی بود که توسط چوپانان در نیجریه به دام ها داده می شود (Bayer, 1988). رتبه بندی برای مهم ترین گیاهان بین گروه های مختلف همبستگی نزدیکی داشت.

رتبه بندی محدودیت هایی دارد در یک گروه، فردی ممکن است غلبه کرده و بر دیگران حکم براند. در مورد رتبه بندی بهزیستی برخی تحلیل گران در رتبه بندی خودشان یا نزدیکان یا دوستان نزدیک، بی تمایل یا غیر قابل اعتماد بودند. مفاهیم مشترکی برای رتبه بندی پایدار

لازم است. در کل، اگر چه مثال های نقل شده در بالا، نشان می دهند که همبستگی های نزدیکی بین رتبه بندی های انجام شده توسط تحلیلگران محلی مختلف وجود دارد به نظر می رسد که چنین چیزی زمانی رخ می دهد که چهار شرط به دست آید: جایی که اطلاعات عمومی است؛ وقتی که معیار مشترک بوده و به خوبی فهمیده می شود؛ جایی که آنچه رتبه بندی می شود به شدت از جمله موضوعات مورد علاقه است؛ و جایی که تحلیل گران متوجه نمی شوند در دادن قضاوت های نادرست یا گمراه کننده، مزیتی را نمی بینند. این شرایط تا به امروز بسیار رایج بوده است.

ج - آمارگیری مشارکتی روستا

در نقشه کشی اجتماعی مشارکتی، روستاییان محل خانوارها را نشان می دهند. در هند ۱۹۹۱ این کار توسط شیلو فرانسیس^۱ و دیگران به صورت آمارگیری مشارکتی انجام شد. نقشه های آماری جزئیات اجتماعی را ارائه داده اند که نشان دهنده افراد و ویژگی های خانوار با مواد محلی مانند سنگ ها و سبزی ها، یا علائمی مانند bindis (نقطه های کوچکی که زنان هندی روی پیشانی شان می گذارند) است. شیوه ای که توسط آنسودا و پرومال نایکر^۲ از روستای کیتانایاکانپاتی^۳ در نزدیکی مادوری در تامیل نادو^۴ توسعه داده شده این بود که برای هر خانوار کارتی وجود داشت و جزئیات را با نشانه هایی روی کارت نشان می دادند. اینها بر روی کارت ها یا روی زمین، نقشه ها یا مدل هایی قرار گرفته بودند تا برای هر خانوار تعداد مردان، زنان و بچه ها، دارایی ها ثروت / فقر، معلولیت، وضعیت واکسیناسیون، تحصیلات و دیگر اطلاعات را نشان می داد. با گروهی یا فردی مطلع، آمارگیری مشارکتی از روستایی کوچک در مدتی کمتر از یک ساعت به عمل آمد و دیگر اطلاعات بامصاحبه به نقشه اضافه شد. در مه ۱۹۹۱، در روستای راماسامی پاتی^۵، در نزدیکی تیروچولی^۶ در تامیل نادو، سه جانبه سازی آماری رخ داد. در کلاس ارزیابی مشارکتی روستایی ترتیب داده شده توسط سخنران، یک NGO، چهار گروه ۵ و ۱۵ روستایی، روش های متفاوتی از تحلیل و ارائه را استفاده کردند دو نفر، نقشه کشی اجتماعی را مستقیماً روی کاغذ انجام دادند، یکی مدلی از روستا بر روی زمین با یک کارت کنار هر خانوار کشید و دیگری بر روی نقشه کشیده شده بر روی کف اتاق، آمارگیری دانه ها را انجام داد هر گروه جداگانه عددی را برای کل جمعیت روستا تولید کردند. هر چهار روش عدد یکسانی به دست دادند. تفاوت های جزئی درباره حرفه ها در جلسه ای در روستا حل شد.

1. Sheelu Francis
2. Anusuda and Perumal Naicker
3. Kethanayakanpatty
4. Madurai in tamil Nadu
5. Ramasamy patti
6. Tiruchuli

- در فوریه ۱۹۹۲، در روستای کابری پاتار^۱، ناحیه بهاروج^۲، گجرات، رایبن^۳، زنی از روستای مجاور که با سواد هم نبود، نقشه برداری آماری را با استفاده از زنان روی کارت‌ها تسهیل کرد و منجر به آمارگیری کل روستا به ۸۷ خانواده شد که تعداد زنان، مردان، دختران، پسران، گاوها، بوفالوها، بزها، الاغ‌ها و دیگر اطلاعات را در عرض ۴ ساعت کامل کرد.

- همچنین در ۱۹۹۲ کمیسیون محلی تحقیقات اقتصادی کاربردی، تحقیقی را برای مقایسه هزینه‌ها، دقت و قابلیت اعتماد نمونه‌گیری پیمایشی با استفاده از پرسشنامه‌ها و روش‌های ارزیابی سریع روستایی و ارزیابی مشارکتی روستایی انجام داد. در برنامه ارزشیابی ملی تأیید شده چولا^۴ در ایالت ماهاراشترا، یک تیم NCAER نتایج پیمایش نمونه‌گیری پوشش دهنده ۱۲۰ روستا در ۱۵ ناحیه را با روش ارزیابی سریع روستایی و ارزشیابی مشارکتی روستایی در ۱۰ روستا و ۵ منطقه مقایسه کرد. مناطق با دقت و پس از طبقه‌بندی ایالت به نواحی متجاوز انجام شد. در این ۱۰ روستا روش‌های مشارکتی و متدهای دیگر به کار رفت نقشه جمعیتی به دست آمده از نقشه برداری مشارکتی به آمارگیری ۱۹۹۱ نزدیک‌تر بود تا نقشه به دست آمده از روش‌های پیمایش معمولی، تحقیق (NCAER, 1993) گزارش کرد: نتیجه‌گیری کلی ادعای طرفداران ارزیابی سریع روستایی و ارزشیابی مشارکتی روستایی را تقویت می‌کند که می‌گویند سطح داده‌های این روش‌ها از اعتماد بالایی بر متغیرهای کیفی و کمی برخوردار است.

- در آگوست ۱۹۹۳، در روستای سان مائوریسیو، جزیره سامر فیلیپین^۵، حدود ۲۰ روستایی در نقشه برداری آماری شرکت کردند (شامل اطلاعات درباره تحصیلات، اندازه زمین، وضعیت زمین و مردم) روستایی که ۶۰ خانوار داشت. کاپیتان بارانگی^۶ و منشی گفتند که این کار لازم نیست زیرا آنها اطلاعات درباره تعداد زنان و مردان و سن آنها را از آمارگیری ۱۹۹۲ و آمارگیری‌های کامل شده در ۱۹۹۳ دارند. اما وقتی که نقشه برداری مشارکتی صورت گرفت، آنها متوجه تناقض‌ها شدند و آنچه را که به نظرشان خطای داده‌هایشان بود اصلاح کردند. در انتها، همه داده‌های آماری‌شان را از فرآیند مشارکتی گرفتند (Ditdit Pelegina, 1993).

د - داده‌های بارندگی

مشخص شده است که کشاورزان اغلب روزها، میزان بارندگی ماهیانه را به سرعت

1. Kabripathar
2. Bharuch
3. Raiben
4. Chulah
5. Maharashtra
6. San Mauricio, Samar Island
7. Barangay

حساب خواهند کرد. در ۱۹۸۸ دو کشاورز در وولو^۱ در اتیوپی تعداد روزهای بارانی را به ماه برای سال گذشته برآورد کردند و همچنین الگویی را که از بچگی به یاد داشتند ترسیم کردند (Conway, 1988; ERCS, 1988). اکنون روش معمول برای تحلیل گران محلی چیدن ۱۲ سنگ برای ۱۲ ماه سال از تقویم محلی است و سپس میزان بارندگی را از تعداد تخم‌ها یا روزهای بارانی ماه یا شاخه‌های شکسته برای مقدار نسبی، یا هر دو استفاده می‌کنند. برخی از کشاورزان هندی ترجیح می‌دادند عمق رطوبت خاک به ماه را به عنوان اهداف مربوط به کشاورزی نشان بدهند. تعدیل انجام شده توسط زنان روستای گالکادا، ناحیه بادولا، سریلانکا^۲ در ژانویه ۱۹۹۲، این است که دانه‌ها را برای نشان دادن توزیع روزهای بازانی در هر ماه استفاده می‌کردند.

اکنون سؤال این است که چنین داده‌هایی تا چه حد صحیح هستند. بارها پیش آمده که داده‌های کشاورزان با داده‌های ایستگاه‌های نزدیک متفاوت بوده است. در نو گودم در اچای کوت، کارناتاکا^۳ در آگوست ۱۹۹۰ تفاوتی مشاهده شد اما تحلیل بیشتری روی آن صورت نگرفت. در تحلیل سریع در کنیاپرتی^۴ ۱۹۹۰ وقتی که الگوهای کشاورزان در ۶ مورد متفاوت بود و همچنین با داده واقعی از ایستگاه نزدیک تفاوت داشت. به عنوان تفاوت آب و هوایی شمرده شد بدون اینکه این احتمال مطرح شود که کشاورزان اشتباه می‌کنند. منتهی دقیق‌ترین مورد مقایسه تا به این تاریخ از نپال است. در مه ۱۹۹۰ نزدیک لومله^۵ بود که برای اولین بار کشاورزان تعداد و مقدار روزهای بارانی هر ماه را با استفاده از دانه‌ها برای روزها و چوب‌ها را برای مقدار، نشان دادند. در عرض ۴۵ دقیقه آنها ابتدا سالی معمول را ترسیم کردند و سپس الگویی که آنها گفته‌اند هر ۵ سال یکبار اتفاق می‌افتند. تحلیل طاقت‌فرسای گیل^۶ (۱۹۹۱) از گفته‌های آنها در مقایسه با داده‌های بارندگی روزانه در ۲۰ سال گذشته از ایستگاهی در نزدیکی محل نشان می‌دهد که آنچه در ابتدا متفاوت و متناقض به نظر می‌رسید و کشاورزان اشتباه می‌کنند با بررسی دقیق‌تر نشان از جوانبی داشت که قضاوت‌های کشاورزان، نسبت به میانگین داده‌های ایستگاه برتری داشت. عنوان مقاله گیل "اما چگونه آن با داده واقعی مقایسه شود؟" با کنایه اشاره به این فرض دارد که داده‌های اندازه‌گیری شده به روش علمی لزوماً بهتراند. اما نتیجه‌گیری تعدیل شده‌تر این است که حقایق متفاوتی وجود دارد که گفته‌های کشاورزان بیشتر مرتبط با کاربرد کشاورزی است و با وزن تجربه اخیر سنجیده می‌شود و مسأله این است که واقعیت چه کسی به حساب می‌آید، در چه متنی و برای چه هدفی.

ه - دقت در میزان صحت

دقت و توجه زیادی در علوم اجتماعی و طبیعی برای اندازه‌گیری‌ها، تست‌های آماری و

1. Wollo
2. Galkada village, Badulla District, Sri Lanka
3. Nugu Dam in H.D.Kote, Karnataka
4. Pretty
5. Lumle
6. Gill

تکرارپذیری صرف می‌شود. اینها کاهش دهنده‌اند زیرا اکثر واقعیت‌ها، به غیر از واحدهای مجرد (مانند افراد) که می‌توان شمرد باید به بخش‌هایی تقسیم شود اگر قصد اندازه‌گیری آنها وجود داشته باشد. ساده‌سازی‌ها منجر به از دست دادن یا ارائه نادرست بخش اعظم پیچیدگی و تنوع روابط درونی سیستم می‌شود هر چند که اندازه‌گیری‌ها ممکن است دقیق باشند. این منجر به شرایطی می‌شود که در آن:

متأسفانه، به نظر می‌رسد که رابطه معکوسی بین دقت و ارتباط در بیشتر تحقیقات علوم اجتماعی وجود دارد. این ممکن است بدین خاطر باشد که دقت همیشه مستلزم مقداری حذف است زیرا برخی جوانب پدیده‌ها، لزوماً توسط هرگونه دسته‌بندی یا اندازه‌گیری‌ها مستثنی می‌شوند. علاوه بر این، ماهیت متغیر آن نادیده گرفته می‌شود زیرا در نظر گرفتن آن باعث پیچیدگی تحلیل می‌شود (Uphoff, 1992).

هدف از دقت زیاد، صحت است (Pretty, 1993). دقت حذف‌کننده، تلاشی در جهت به حداقل رساندن عنصر قضاوت شخصی در رسیدن به صحت است. اینکه آن در علوم اجتماعی به خوبی عمل نمی‌کند از عدم اعتماد شایع نسبت به یافته‌های پیمایش پرسشنامه‌ای پیداست. اگر چنین فرم‌های حذف‌کننده و دقیق در بردارنده‌ی تعهد نباشد، چالش مورد عبارت است از یافتن راه‌هایی برای تقویت ارتباط و قابلیت در کنار یکدیگر.

تجربه‌ی حاصل از ارزیابی سریع روستایی و ارزیابی مشارکتی روستایی در اینجا کمک می‌کند. ارتباط از طریق تخصیص یابی محلی تقویت می‌شود: افراد محلی ارتباط را تعریف می‌کنند و دانسته‌های خود را ارائه، تحلیل و تقویت می‌کنند. قابلیت اعتماد از طریق اصولی یافت می‌شود که در عمل به دست آمده است (رجوع به بخش ۲ بالا). دریافتن دقت و صحت اینها می‌تواند به وسیله‌ی خارجی‌ها به صورت ترکیبی از سه روش بکار روند؛ از طریق دخالت فعال؛ از طریق اداره و مشاهده فرایند؛ از طریق قضاوت انتقادی.

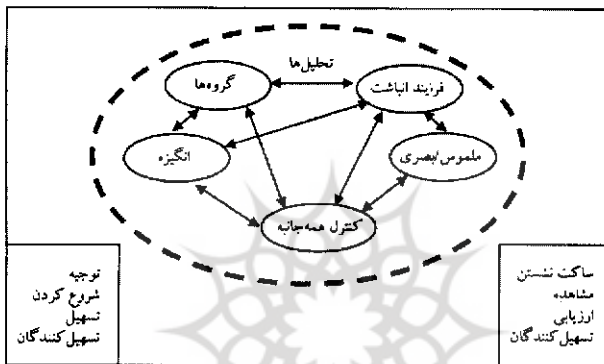
دخالت فعال خارجیان را می‌توان از طریق مثالی از نپال تبیین کرد. دو گروه از خارجی‌ها تناقض‌هایی در اطلاعات فصلی و گرایشات کشاورزی یافتند که کشاورزان آن را با آنها سهیم شده بودند:

اول: واکنش هر دو گروه برگشت به روستاهایشان در روز بعد بود و توافق بر سر اطلاعات، با گروه‌های آگاه و تشکیل یک گروه ترکیبی، با این گفته که "ما دیروز اطلاعات را از شما گرفتیم و به نظر می‌رسد که تفاوت‌هایی وجود دارد. آیا می‌توانید کمکمان کنید؟" و البته آنها چنین کردند. اطلاعات جریان یافت بحث‌ها و تبادل نظرها بین روستاییان، بین خارجیان و بین هر دو گروه صورت گرفت، توضیحات داده شد، اصلاحات انجام شد و گروه محققان راضی تر بودند حتی آن شب به کمپ اصلی برگشتند. بنابراین تناقض‌ها توسط خارجی‌ها تشخیص داده شد و تبدیل به فرصت‌ها برای رسیدن به اجماع درباره‌ی واقعیت به کار رفت.

دوم: دقت در فرآیند مشاهده وجود دارد. خارجی‌ها شروع، تسهیل می‌کنند و سپس نقادانه فرآیند تحلیل را زیر نظر می‌گیرند به ویژه با تحلیل تصویری (نقشه‌کشی، نمودارسازی و غیره)

توسط گروه‌ها. در مقابل بیشتر پیمایش‌های پرسشنامه‌ای، این تحلیل تصویری دسته‌جمعی، به مشاهده‌کننده فرصت و آزادی برای تماشای تعامل‌ها را می‌دهد تا ببینند که چه میزان کنترل و تصحیح رخ می‌دهد تا میزان تعهد تحلیل‌گران را ارزیابی کنند و اینکه آیا اطلاعات تحریف یا نگه داشته می‌شوند. با اشتیاق فزاینده گروه، اضافه کردن، تصحیح جزئیات برای ایجاد تصویر کامل و دقیق‌تر یک اشتراک مساعی تصویری گروهی (شکل ۱) پدید می‌آید.

شکل ۱- ترکیب بصری گروهی در ارزیابی مشارکتی روستایی



منبع: یافته‌های حاصل از پژوهش

سوم: دقت فردی و قضاوت هم‌تایان همراه با آگاهی و تردید انتقادی نسبت به خود نیز در کل فرآیند وجود دارد. دو مورد یاد شده در بالا هشدار سودمندی را به ما می‌دهند. وقتی که چهار گروه در راماسامپاتی^۱ همگی به عدد ۳۵ به عنوان جمعیت روستا رسیدند، من هیجان زده شدم من نقشه‌ها و نمودارهای گزارش‌دهنده را گردآوری کردم و همگی آنها را عنوان‌بندی، تنظیم و عکس‌برداری کردم. این مدرک مثبت از طریق کپی اسلایدها پخش شده است. تنها، بعدها به این فکر افتادم که آیا هیچگونه تبادل اطلاعات یا اعداد و ارقام بین گروه‌ها بوده است. در واقع من عقیده دارم که چنین نبوده است. اما اگر گروه‌ها ارقام متفاوتی به دست می‌آوردند آیا باز هم واکنش من تغییری می‌کرد. آیا من نقشه‌ها و نمودارها را گردآوری و عکس‌برداری می‌کردم. خطر در ضبط و پخش انتخابی شواهد، مثبت است. به همین منوال، در مورد بارندگی هم مورد نپال توسط گیل به دقت تحلیل و منتشر شد. اما چنین چیزی در مورد کنیا و کارناتاکا انجام نشد. آیا اگر این تفاوت‌ها همانند مورد نپال بیشتر بررسی می‌شدند صحت یا عدم صحت کشاورزان را نشان می‌دادند. ما نمی‌دانیم. دقت نیازمند ثبات قدم در بررسی تمامی انواع موارد موجود

است. برای حصول اطمینان از این جهت، به اشتراک گذاشتن به همتایان و دعوت به بازنگری انتقادی شاید قوی‌ترین عامل حفاظتی باشد.

اصول دقت به کاوش بیشتر، تحلیل و بکارگیری ارج می‌نهد. پرتی در سال (۱۹۹۳) اصول تکمیلی را برای تحلیل صحت پیشنهاد کرده که شامل سر و کار داشتن طولانی مدت، مشاهده موازی و همیشگی، سه بعدی سازی منابع، روش‌ها و تحقیق کنندگان، پرسیدن از همتایان، تحلیل موارد منفی و کنترل با شرکت کنندگان است. از بین اینها، کنترل و تصحیح با شرکت کنندگان به عنوان تستی بسیار قوی است و در عمل معمولاً با توضیح و بیان توسط تحلیل گران محلی به گروه‌های محلی بزرگتری انجام می‌گیرد. دقت از طریق تست‌ها، صحت جدید سنگر دفاعی جدیدی را در اختیار ارزیابی مشارکتی روستایی قرار می‌دهد و می‌توان انتظار داشت که برای بسیاری دیگر از پرسش‌ها و تحقیق‌ها نیز کاربرد داشته باشد.

وارونه‌سازی و واقعیت

اکثر آنهایی که در توسعه ارزیابی مشارکتی روستایی نوآوری‌هایی داشته‌اند مجربانی بوده‌اند که فکر و ذکرشان آنچه جواب می‌دهد می‌کنند و آنچه را که بهتر جواب می‌دهد بدون نظریه پردازان دانشگاهی که درگیر جواب دادن به چرایی هستند. آنها دنبال نظریه‌ها یا اصول جدید نبوده‌اند بلکه دنبال راه‌های بهتر یادگیری و انجام بوده‌اند. از نظر آنها قدرت و کاربرد ارزیابی مشارکتی روستایی و ارزیابی سریع روستایی توأم با سازگاری و دقت خود انتقادانه، حقایق تجربی موجود هستند: آنها می‌دانند که این روش‌ها جواب می‌دهند و وقتی که به خوبی انجام شود آنها می‌توانند منجر به توسعه بهتری شوند. اما چرا؟ برای کاوش بیشتر، پرسش‌ها باقی است. اکنون تجارب به اندازه کافی وجود دارد تا جواب‌هایی پیشنهاد شود. با تشریح دقیق‌تر و شکافتن برخی از اصول ارزیابی مشارکتی روستایی و ارزیابی سریع روستایی (رجوع به بخش ۲ بالا)، کاوش‌های بیشتری را می‌توان تحت عنوان "وارونه‌سازی‌ها" انجام داد. وارونه‌سازی یعنی دستورالعمل‌هایی به دور از شیوه‌های اجرایی معمول و بر خلاف آنها است. چهار دسته از وارونه‌سازی‌ها در هم ادغام می‌شوند و یکدیگر را تقویت می‌کنند: وارونه‌سازی چارچوب‌ها، وارونه‌سازی شیوه‌ها، وارونه‌سازی روابط و وارونه‌سازی قدرت.

الف - وارونه‌سازی چارچوب‌ها: از رفتار ناآگاهانه به رفتار آگاهانه

یکی از وارونه‌سازی‌های عمده از رفتار ناآگاهانه به رفتار آگاهانه است. از دانسته‌ها، مقولات و ارزش‌های خارجی حرفه‌ای به انواع افراد محلی. بررسی‌های رایجی وجود دارد. تقریباً تمامی پرسشنامه‌های پیمایش توسط خارجی‌ها و با دسته‌بندی‌ها و دغدغه‌های خارجی‌ان تنظیم می‌شود. آنها سعی در گرفتن پاسخ‌ها برای پر کردن گزینه‌های ثابت دارند. هر گونه مقاصدی که تحقیق کنندگان بررسی می‌کنند تحت عنوان "دیگر موارد" که در آخر لیست جواب‌های به دست آمده قرار دارد آورده می‌شود، آنها به ندرت چنین کار می‌کنند؛ و هر جا که چنین کنند بعداً در کدبندی و تحلیل ایجاد مشکل می‌کند و برای راحتی حقایق به زور در

چارچوب آشنای حرفه‌ای گنجانده می‌شود. به هر حال، چارچوب افراد محلی معمولاً از پیش معلوم نیست. بنابراین وارونه‌سازی از رفتار ناآگاهانه به رفتار آگاهانه، از بسته به باز است. بر خلاف مصاحبه‌های پرسشنامه‌ای، مصاحبه‌های نیمه ساختار بندی شده‌ی بازر (Grandstaff and Grandstaff, 1987)، گفتگوها بیشتر از آن (Scrimshaw and Hurtado, 1987) و نقشه برداری و نمودار سازی ارزیابی مشارکتی روستایی شاید بارزترین آنهاست. در مصاحبه‌ی نیمه ساختار بندی شده می‌تواند یک لیست کنترل برای رجوع وجود داشته باشد، اما نه یک توالی از پیش تعیین شده‌ی سؤال‌ها؛ و ارزش برای بررسی بیشتر، برای دنباله‌روی از خطوط راهنما و پیش بینی نشده‌ی ما در نظر گرفته می‌شود در گفتگوها، ممکن است برابری و آزادی بسیار بیشتری باشد. در روش ارزیابی مشارکتی روستایی مانند نقشه کشی مشارکتی و مدل سازی، رتبه بندی ماتریسی و نمره دهی، نمودار سازی ون Venn یا Chapati و رتبه بندی بهزیستی افراد محلی می‌توانند مسئولیت بیشتری در برنامه ریزی و جزئیات داشته باشند و نه تنها در بیان دانسته‌ها و ارزش هایشان آزاد باشند، بلکه قادر و تشویق به کار شوند. تغییر از پیش تعیین شده و وابسته به مشارکت و باز است.

ب - وارونه سازی شیوه‌ها

روش‌های تعامل و تحلیل از دستورالعمل‌های عادی به سه روش وارونه سازی می‌شوند: از فردی به گروهی؛ از لفظی به بصری و از اندازه گیری به مقایسه.

۱ - از فردی به گروهی

تحقیق‌های معمولی بر مصاحبه‌های فردی تأکید دارند. حرفه‌ای‌ها به اعداد احتیاج دارند. پیمایش‌های پرسشنامه‌ای از افراد یا خانوارها، اعداد تناسب پذیری تولید می‌کنند که برای تحلیل آماری مناسب‌اند. در ارزیابی سریع روستایی، مصاحبه‌های نیمه ساختاری می‌تواند با یک فرد یا گروه باشد، اما هنوز تأکید بیشتر بر مصاحبه شونده منفرد می‌باشد.

(Grandstaff and Grandstaff, 1987). در ارزیابی مشارکتی روستایی، گفتگو با افراد می‌تواند انجام شود

و می‌شود، اما توجه بیشتری نسبت به گروه‌ها و تحلیل مشارکتی گروهی وجود دارد.

گروه‌ها می‌توانند معایبی داشته باشند مانند غلبه یک فرد یا اقلیتی سخنگو. اما به مزیت‌های آنها بهای زیادی داده نشده است. نوعاً آنها دانش فراگیر هم پوشش دارند که حوزه گسترده تری را نسبت به هر یک از اعضای منفرد دارد. برخلاف تفکر رایج، بعضی اوقات موضوعات حساس در گروه‌ها آزادانه تر بحث می‌شوند، وقتی که افراد به تنهایی تمایل به بحث درباره‌ی آنها و با یک غریبه را نداشته باشند. گروه‌ها همچنین می‌توانند اعدادی تولید کنند، کنترل چند جانبه‌ی قابل توجهی چه از طریق بصری یا کلامی وجود داشته باشد. درباره روش‌های بصری، مانند نقشه کشی و مدل سازی، تجربه ارزیابی مشارکتی روستایی این بوده که گروه‌ها اغلب اشتباه جمعی و خلاقانه ایجاد می‌کنند که شکاف‌های دیگران را پر، اضافه، کنترل و تصحیح می‌کنند. بنابراین سه جنبه سازی در آن زمان هم لحظه‌ای و هم قابل مشاهده است.

۲ - از کلامی به بصری

در پرسش نامه‌های مصاحبه‌ای نیمه ساختاری رایج، انتقال اکثر اطلاعات کلامی است. این بر

خلاف روش بصری نمودارسازی مشارکتی است. این شامل نقشه‌کشی اجتماعی و آماری، نقشه‌کشی و مدل‌سازی منابع، تحلیل فصلی، نمودارسازی، روند نمودارسازی، رتبه‌بندی و نمره‌دهی ماتریسی، تحلیل استفاده از وقت و اغلب فعالیت‌های گروهی است. در تحلیل بصری، روابط تغییر می‌کنند. موضوعات ممکن است تعیین شود یا دست کم توسط فرد خارجی پیشنهاد شود، اما نقش از طریق گرفتن جواب سوالات نیست بلکه از طریق شروع فرآیندی از تحلیل‌ها و گفتگوهاست. خارجی‌ها مصاحب و تسهیل کننده‌اند. محلی‌ها تحلیل‌گر و بازیگر هستند. خارجی‌ها کنترل را واگذار می‌کنند و محلی‌ها برنامه‌ی زمانی، مقولات و جزئیات را تعیین می‌کنند، مواد و رسانه‌ها اغلب از خود محلی‌ها است - زمین، سنگ، شن، بذر به عنوان واحد شمارش، چوب‌ها و واحدها و غیره. برخورد چشمی، آگاهی فرد محلی از حضور فرد خارجی، بسیار کم است. اطلاعات جمع می‌شوند، کنترل اتوماتیک است. اغلب چندین فرد یا افراد زیادی درگیر هستند و دانسته‌ها هم پوشاننده هستند. اگر نیم‌جین زن نقشه آماری روستایشان را رسم کنند که نشان دهنده زنان، مردان، بچه‌ها، معلولان و غیره باشد همه چیز را همه ندانند اما ممکن است دو یا سه نفر هر آئمی را بدانند. مباحث می‌تواند زنده باشد زیرا هر کس می‌تواند ببیند که چه گفته می‌شود. سپس می‌توان به جای مردم از نمودارها مصاحبه کرد.

همچنین روش‌های بصری می‌تواند افراد ضعیف را قادر سازد. سواد بصری (Bradley, 1992) جدا از سواد الفبایی است و تقریباً جهانی است. بنابراین نمودارسازی تصویری برابر کننده است به ویژه وقتی که با استفاده از رسانه آشنایی مانند زمین استفاده شود. بی‌سوادان روی کاغذ هم می‌توانند نمودارسازی کنند در ناحیه کیتو در تانزانیا، در ژوئن ۱۹۹۲، یک مرد ماسای^۱ جوان بی‌سواد، اگر چه توسط همکاران باسوادش به عنوان ناتوان مسخره شد ورقه‌ای کاغذ گرفت و رفت و به آرامی نقشه‌ای دقیق از ناحیه روستایی بزرگی با ساکنان آن کشید. در پاکستان در مارس ۱۹۹۲، چندین زن بی‌سواد نمودارهای پیچیده‌ای از مزارع و خانه‌هایشان همراه با جریان‌های داخلی و خارجی و لینک‌ها کشیدند (Pretty, Jules, Personal Communication). در توضیح تجربه‌های (NIF) در انگلستان، گیسون^۲ (۱۹۹۱) اشاره کرد که "وراج‌ها تقریباً همیشه برنده می‌شوند" اما در برخورد با مدل فیزیکی اطراف‌شان، افراد خجالتی می‌توانند ایده‌هایشان را مطرح کنند. اغلب افرادی که ایده‌ای را مطرح می‌کنند منتظر می‌مانند تا دیگران درباره آن صحبت کنند و سپس خودشان می‌گویند: من با شما موافقم (Gibson, 1991). به همین شکل نقشه‌کشی مشارکتی و ماتریسی‌ها می‌تواند زنان به حاشیه رانده شده را قادر به بیان ترجیح‌ها و اولویت‌هایشان به شکل فیزیکی کند که نیازمند رویارویی شخصی با مردان مسلط نباشند. برخی تقابل‌ها بین روش‌های لفظی و بصری در جدول ۲ آمده است.

تغییر از لفظی به بصری یکی از تأکیدات روش ارزیابی مشارکتی روستایی است. نمودارها بخشی از مجموعه روش‌ها هستند و در مراحل اولیه تعامل‌ها می‌توانند تسهیل شوند. آنها می‌توانند بخشی از مصاحبه‌های نیمه ساختاری یا گفتگوها باشند. نمودارها سپس برنامه کاری را

1. Kiteto
2. Maasai
3. Gibson

برای گفتگوها ارائه می دهند. "مصاحبه درباره نقشه"، "مصاحبه درباره ماتریس"، "مصاحبه درباره نمودار" ثابت شده است که سودمندترین و در عین حال فراموش شده ترین هستند. با بصری‌ها "در یک سری سوالات و بحث‌های جدید بوجود می آید که در روش کلامی چنین چیزی نیست".^۱ روش‌های شفاهی مثلاً در مورد تاریخ شفاهی (Slim and Thompson, 1993) همیشه مهم است، اما ترکیب بصری و کلامی قوی تر از هر یک به تنهایی است.

جدول ۲ - برخورد بین روش‌های بصری و لفظی

آهنگر و سازمان دهنده	ناظر	نقش خارجی‌ها
سهولت کننده	تفحص	سیک خارجی‌ها
آغاز و سپس کاهش یافتن	متوالی و حمایت شده	مداخله خارجی‌ها
ارائه کننده و تحلیل گر	موافقت	نقش داخلی‌ها
خلاق	واکنش	سیک داخلی‌ها
کم	زیاد	آگاهی داخلی‌ها از خارجی‌ها
کم	زیاد	برخورد چشمی
داخلی	خارجی	وسيله و مواد آنان هستند
قدرتمند	حاشیه‌ای	فقر، خستگی و زنان می‌توانند
ادراک رفتار آگاهانه	انواع رفتار ناآگاهانه	تأثیرات جزئی بوسيله
متراکم	متوالی	جریان اطلاعات
زیاد و نیمه پایدار	کم و گذرا	دستورسی به اطلاعات دیگران
داخلی	خارجی	ابتکار برای بررسی دروغ‌ها یا
بیشتر	کم	کاربرد فضایی و تحلیلات
مالک و سهم خودی	متناسب خارجی‌ها	موقتی و اتفاقی
		مالکیت اطلاعات

منبع: یافته‌های حاصل از پژوهش

۳- ساز سنجش تا مقایسه

آموزش حرفه‌ای نرمال این است که اندازه‌گیری‌های قطعی انجام شود. بنابراین اگر قرار است روندها یا تغییرات تشخیص داده شود یا شرایط بین مکان‌ها مقایسه شود. این از طریق اندازه‌گیری‌هایی است که یا در زمان‌های متفاوت یا از چیزی متفاوت و یا در مکان‌های متفاوت انجام شده است. تمایل ما به اعداد ما را وادار می‌کند که بپرسیم "چقدر؟" در مورد موضوعات حساس مانند در آمد، سوالات این چنینی می‌تواند ایجاد سوءظن کند، سازگاری را از بین ببرد یا منتهی به تولید داده‌های گمراه کننده شود. برای اهداف اجرایی، مقایسه بدون اندازه‌گیری اغلب کافیتست و مزیت‌هایی دارند از جمله تامل و قضاوت، میان آنها آسانتر و سریعتر از اظهار مقادیر است. بدون داده رسمی پایه می‌توان از آنها برای روندها و تغییرات استفاده کرد بدون آنها کمتر حساسیت برانگیزند و با ثروت و رتبه‌بندی بهزیستی و تحلیل فصلی نشان داده شده‌اند: مقیاس درآمد بین ماه‌ها از نظر بر آورد آسانتر و کمتر تهدید کننده تر است تا ارقام قطعی. علاوه بر این، مقایسه با رتبه‌بندی ماتریسی و نمره‌دهی، می‌تواند در زمان کوتاهی

اطلاعات پیچیده و جزئی و قضاوت درباره ارزش را که به طریق غیر از کار زیاد ممکن نیست از بین ببرد. علاوه بر آن، روندها، مقایسه‌ها، و وزن‌دهی خودشان نوعی مشارکت بصری‌اند و مزیت‌های مشارکت، سه‌جانبه‌سازی، تقریب پیش‌رونده و یادگیری را نیز دارند. مقایسه می‌تواند آسانتر، ارزانتر و قابل اعتمادتر از اندازه‌گیری باشد.

ج - وارونه‌سازی روابط: از خودداری به سازگاری، از ناامیدی به سرگرمی

این وارونه‌سازی چارچوب‌ها و روش‌ها از اصل ایجاد و تقویت نسبت وارونه‌ای از روابط پیروی می‌کند به عبارت دیگر از شک و خودداری به اعتماد و سازگاری. در روابط درونی - برونی نسبتی از رسمی بودن وجود دارد، حرکت از مصاحبه ساختار بندی شده با پرسش‌نامه به مصاحبه‌ی نیمه ساختار بندی شده با لیستی از موضوعات فرعی برای گفتگو. در مورد مصاحبه‌ها و گاهی اوقات در مورد گفتگوها نیز خارجی‌ها سوالاتی مطرح کرده و پرس‌وجو می‌کنند. معمولاً فرد خارجی کنترل را در دست داشته و قسمت اعظم برنامه‌ی کاری و مقولات مختلف را تعیین می‌کند. تماس چشمی امری عادی است مصاحبه شونده پاسخ می‌دهد در حالیکه نسبت به رودرو بودن با فردی که به دنبال اطلاعات است کاملاً آگاه می‌باشد. خودداری اولیه افراد محلی نسبت به خارجی‌ها امری عادی است. پاسخ‌های آنها اغلب محتاطانه است از ضرر و زیان اجتناب کرده و امید به کسب منفعتی دارند. ارزیابی سریع روستایی و بیش از آن ارزیابی مشارکتی روستایی بر فرآیند سازگاری و توافق تأکید بیشتری دارند. برخی از انسان‌شناسان اجتماعی نسبت به سرعت ایجاد فضای توافق سازگاری اظهار تردید کرده‌اند. برای درک عمیق‌تر و کاملاً رفتار آگاهانه آنها محلی برای تحقیق طولانی مدت‌تر وجود دارد. اما تجربه‌های حاصل از روش ارزیابی سریع روستایی و ارزیابی مشارکتی روستایی نشان می‌دهد که وقتی خارجی‌ها به خوبی رفتار می‌کنند و شیوه‌ها مشارکتی است معمولاً سازگاری به سرعت حاصل می‌شود. این سازگاری از طریق عجله نداشتن خارجی‌ها، احترام گذاشتن آنها، معرفی و توضیح در مورد خودشان. پاسخ به سوالات، راستگویی و علاقه‌مند نشان دادن خود و همچنین درخواست برای یادگیری، یاد داده شدن و آموختن. از دیدگاه کلاسیک کار میدانی بیش از حد خوب بسیار سخت است و مستلزم ساعات بسیار طولانی برای گردآوری و کنترل داده‌ها می‌باشد. مشاهده موزر و کلتون در سال (۱۹۷۱) از پیمایش‌های پرسش‌نامه‌ای "علاقه مصاحبه کننده بعد از مدتی تغییر می‌کند..." پلتو و پلتو در سال (۱۹۷۸) موردی از یک انسان‌شناس به نام کوین را نقل می‌کند که مجبور بودند "در طول یک سال کار میدانی، وقت بسیار زیادی را فدای جمع‌آوری داده‌های کمی شده برای تنها ۱۷۶ نفر کنند" و حتی پس از آن نیز او نسبت به صحت برخی از داده‌هایش مطمئن نبود. همان مؤلفین میزان وسعت داده‌های بدست آمده از پرسش‌نامه‌ها که نیاز به کنترل و کمی‌سازی به روش‌های دیگر دارند اشاره کرده و چنین نتیجه می‌گیرند: روشن است که داده‌های کمی شده تحقیق پیمایشی یا سایر روش‌های استاندارد مصاحبه باید به وسیله مصاحبه‌ی غیر رسمی و کلی و کنترل مشارکت کننده نیز حمایت و پشتیبانی شود. اما عکس این مطلب نیز صادق است

نکته‌ای که از این مطلب می‌توان آموخت همان‌طور که کوپن آشکارا گفته، این است که کار میدانی نیاز به کار چه کیفی چه کمی طاقت فرسای وقت‌گیر زیادی دارد^۱ (Pelt. and Petto, 1987). برخی از تحقیقات مشارکتی اولیه نیز تقیصه طولانی بودن و نیاز به استخراج داده‌ها را داشته‌اند. یک پروژه آزمایشی در مورد فن آوری مناسب برای ذخیره غلات در روستای بواکیرا چینی^۱ در تانزانیا مستلزم این بود که یک تیم خارجی به مدت ۸ هفته در روستا ساکن شوند. این مدت را "مدت کمی برای گفتگو" دانسته‌اند اما با این وجود اجرای روش گفتگویی نیز، وقت‌گیر و خسته‌کننده بود (Mduma, 1982). این با روش ارزیابی سریع روستایی در تضاد است. گفتگوهای حرفه‌ای برای هر دو طرف جالب و مهیج می‌باشد. در مورد دامداران نیجریه‌ای که علف‌های مراتع را رتبه‌بندی کردند بایر^۲ در سال (۱۹۸۸) می‌نویسد که "چوپانان بسیار علاقه‌مند بودند که دانسته‌های خود را درباره‌ی علف‌های مرتعی با ما سهیم شوند و آماده بودند تا به اندازه ما از مصاحبه‌ها لذت ببرند" درباره مقایسه بین روش ارزیابی سریع روستایی و پیمایش پرسش‌نامه‌ای با عنوان جنگل و هیزم در سیرالئون انجلیس در سال (۱۹۹۱) می‌نویسد که رویکرد ارزیابی سریع روستایی پاسخ‌دهندگان را قادر می‌سازد تا "از گفتگویی حرفه‌ای درباره‌ی زندگی‌شان یا عادت‌های پخت و پزیشان لذت ببرند" به جای این که با پرسش‌نامه‌ای ۲۷۸ سؤالی توسط آمارگیران خسته شوند. در مورد ارزیابی مشارکتی روستایی این تضاد معمولاً بیشتر است. داده‌ها توسط خارجی‌ها گردآوری نمی‌شوند بلکه توسط افراد محلی تحلیل و توضیح داده می‌شوند روشی معمول در این شیوه اشتراک مساعی بصری گروهی همانند شکل ۱ می‌باشد. افراد خارجی توجیه می‌کنند، موقعیتی را فراهم می‌سازند و استارت کار را می‌زنند. افراد محلی به عنوان تحلیل‌گر، درگیر نمودارسازی و فرآیند انباشت توضیحات داده شده، سهیم شدن، افزودن و تصحیح اطلاعاتی که ایجاد علاقه می‌کند و از فرصت استفاده می‌کنند. بنابراین نقش افراد خارجی این است که ساکت باشند، مشاهده، ارزیابی و حمایت کرده و اغلب فرآیند را مختل نکنند. (رجوع به شکل ۱) به گفته دواوارام^۳ خارجی‌ها "افراد از تکراری بودن کار میدانی خسته نمی‌شوند و آن همیشه جالب است" آنچه که به اشتراک گذاشته می‌شود اغلب غیر منتظره و گاهی اوقات جالب می‌باشد. برای افراد خارجی فعالیت خلاقانه‌ی ارائه و تحلیل معمولاً لذت‌بخش بوده و هم‌چنین فرآیندی برای تعمق در آن، توضیح آن چیزی است که آنها می‌دانند و می‌خواهند. در رتبه‌بندی ماتریسی برای گونه‌های درختان یا غلات با استفاده از زمین و دانه‌ها برای افراد خارجی این تجربه‌ای عادی است که با شروع فرآیند مباحثه و رتبه‌بندی روستاییان تبدیل به فردی زاید می‌شود. پس از آن که روستاییان مشارکت‌کننده مدل‌های مربوط به محیط‌شان را در بورکینافاسو ساختند و تحلیل کردند (ماکت‌ها) تمامی مشارکت‌کنندگان نسبت به ادامه و بحث‌های عمقی‌تر درباره آن علاقه و تمایل بسیار زیادی از خود نشان داده‌اند در سال (Hahn, 1991). در اغلب موارد با ناراضی‌تی از تلاش اولیه خود برای کشیدن یک نقشه، روستاییان آن را پاک کرده و با علاقه و اشتیاق بیشتری بر روی کار متمرکز می‌شوند بارها و بارها روستاییان در هند خود را در نقشه‌کشی و مدل‌سازی غرق کرده‌اند و افراد خارجی یاد گرفته‌اند که مصاحبه و مداخله نکرده و فعالیت خلاقانه آنها را مختل نسازند.

1. Bwakira Chini

2. Bayer

3. Devavaram

نسبت به آن چیزی که ساخته می‌شود یک حس غرور و افتخار وجود داشته و از ارائه آن به دیگران لذت می‌برند. در جملاتی که بر روی یک کارت پستال نوشته شده "وقتی که ارزیابی مشارکتی روستایی به خوبی عمل می‌کند به نظر می‌رسد که آن تجربه‌ی خوبی برای تک تک افراد است"^۱ تجربه‌ی ارزیابی مشارکتی روستایی در اغلب موارد سرگرم کننده و مفرح است.

د- وارونه‌سازی چارچوب‌ها؛ از استخراج به اختیار دهی

وارونه‌سازی چارچوب‌ها، شیوه‌ها و روابط به وارونه‌سازی قدرت کمک می‌کند. در انواع شکل‌های ارزیابی مشارکتی روستایی که گسترش یافته، بر کناره‌گیری قدرت و واگذاری کنترل و فعالیت به افراد محلی تأکید شده است. این مفهوم را با این تشبیه بیان کرده‌اند "واگذار کردن چوب" (کچ یا قلم). از دیدگاه قدرتی، ارزیابی مشارکتی روستایی با ماهیت روش‌های سنتی پرسش و گردآوری داده‌ها در تضاد است. در مصاحبه پرسش‌نامه‌ای قدرت و ابتکار عمل در دست مصاحبه‌کننده است. پرسش‌نامه بر فرد مصاحبه‌شونده تحمیل می‌شود، مصاحبه‌شونده، یک "پاسخ‌دهنده" است فردی که جواب می‌دهد یا واکنش از خود نشان می‌دهد اصطلاح لاتین پاسخ دادن به معنی برگشت چیزی با همانند آن چیز است. سوالات و دسته‌بندی‌ها متعلق به مصاحبه‌کننده است که پاسخ‌ها را نیز خودش ثبت می‌کند. نگرانی حرف‌های چندانی از جانب افراد و درباره پاسخ‌ها وجود ندارد - پاسخ‌دهندگان و بیش از آن چه که آنها ارائه می‌دهند. در کتاب روش‌های پیمایش در تحقیق اجتماعی "موزر و کالتون"، تنها لیستی دو مدخلی برای پاسخ‌دهنده دارند و در مقابل لیستی ۳۲ تایی برای پاسخ. جواب‌ها اهمیت بیشتری دارند زیرا آنها مواد خامی هستند که باید استخراج، دسته‌بندی، منتقل و پردازش شوند و خروجی‌های قابل اندازه‌گیری بایستی گردآوری، دسته‌بندی، کدبندی، شمارش و ارتباط داده شوند. در تحقیقات انسان‌شناسی اجتماعی سنتی هدف غایی بدست آوردن داده‌هایی است که سپس در جایی غیر از محل تحقیق تحلیل شده و به صورت مکتوب در می‌آیند. کنترل مشارکت‌کننده روابط کاملاً متفاوتی را در مقایسه با پیمایش‌های پرسش‌نامه‌ای ایجاد کرده و می‌طلبد اما هدف اصلی مشابه است. انسان‌شناسان توسعه، سعی دارند از طریق فعالیت به صورتی مستقیم‌تر مفید واقع شوند و بسیاری از انسان‌شناسان به دلایل اخلاقی در توسعه کار آنها مداخله می‌کنند. اما هدف اصلی در اغلب موارد همان هدف محقق است که منجر به مصرف داده‌ها و دیدگاه‌های فرآوری شده به صورت تز دکتر، مقالات یا کتاب است. در مقابل، روش ارزیابی مشارکتی روستایی سعی در وارونه‌سازی این رابطه دارد و سعی در اختیار دهی دارد تا بیرون کشیدن اطلاعات. هدف اکثر مشارکت‌کنندگان بیشتر ایجاد یک فرآیند است تا جمع‌آوری داده. رویکردها و روش‌ها به گفته اسکاز و تامپسون^۲ در سال (۱۹۹۳) روندی "عملی" دارند (مانند نمایش سنتی، داستان‌ها، ضرب‌المثل، آواها و مانند آنها) یعنی از طریق فرآیند به تصویر کشیدن که باعث از بین رفتن تمایز بین داده و تحلیل می‌شوند. ابتکار عمل بدست آنها سپرده می‌شود و قدرت به آنها واگذار می‌شود بازیگران اصلی مردم هستند، فرد خارجی بدست آورنده اطلاعات نیست بلکه بیشتر نقش تسهیل‌کننده و سازمان‌دهنده را دارد. با این وجود دو مسأله عملی و اخلاقی مطرح

1. Personal Communication, J. Pointing
 2. Scoones and Thompson

می شود. مسأله اول این است که به چه کسی اختیار داده می شود. شیوه‌ی آسان و معمول برای آنهایی که مشارکت می کنند و اختیار داده می شود همان‌هایی هستند که از قبل قدرت دارند یا چندان ضعیف نیستند - ثروتمندان، روشن فکران، افسران، رهبران محلی، مردان، افراد بالغ و سالم هستند تا فقرا، طبقات پائین، آسیب پذیرها، افراد عادی، زنان، بچه‌ها و افراد بیمار. وقتی که چنین چیزی رخ می دهد شاید وضعیت فقرا و افراد ضعیف بدتر هم شود. درباره زنان پیچیدگی مسأله ناشی از وظایف و کارهای زیاد آنهاست که یافتن وقت کافی برای انجام برخی از شیوه‌های تحلیلی و مشارکتی را مشکل می سازد. اقدامات چندی لازم است تا چنین تبعیض‌هایی به کنار گذاشته شود از جمله شناسایی گروه‌های مختلف در یک جامعه و ترغیب و تواناسازی زنان برای پیش برد تحلیل‌ها و بیان اولویت‌هایشان (Weilbourn, 1991). مسأله عملی و اخلاقی دوم این است که اطلاعات به اشتراک گذارده شده برای چه کسی بکار می رود. به اشتراک گذاری ناخودآگاه اطلاعات توسط افراد محلی توسط روش‌های مشارکتی راه را برای سوء استفاده خارجی باز می گذارد. روش‌های ارزیابی مشارکتی روستایی را می توان به عنوان حیل‌های برای فریب افراد جهت شرکت در دانسته‌های آنها بکار برد. نمونه‌هایی از این دست تا حالا شناخته نشده اما می توان انتظار آن را داشت. یک فرآیند ارزیابی مشارکتی روستایی قانونی و حساس می تواند برای یادگیری افراد خارجی باشد اما باید این کار از طریق به اشتراک گذاری اطلاعات به شیوه‌ای باشد که باعث بهبود قدرت تحلیل مردم و دانسته‌های آنها شده و مالکیت آن نیز تحت‌تأثیر آنها باقی می ماند. در اینجا نیز همانند هر روش دیگر آنچه ایده‌آل است با آنچه که در عمل رخ می دهد بندرت در تطابق کامل با یکدیگر خواهد بود. اما ایده‌آلی که برخی از اجراکنندگان ارزیابی مشارکتی روستایی به دنبال آن هستند فرآیندی است که در آن مردم و ویژه‌افراد ضعیف‌تر و فقیرتر قادر به ارائه، مقایسه و تحلیل اطلاعات شده و چیزی را به دانسته‌های قبلی آنها اضافه می کند به عنوان مثال این حالت زمانی است که از طریق نقشه‌کشی مشارکتی یک حوزه آبخیز، نقشه حاصله توسط روستاییان برای سازمان‌دهی شرایط موجود و برنامه‌ریزی اقدامات لازم رخ می دهد و در دست خود آنها برای نظارت بر اقدامات و تغییرات حاصله باقی می ماند. یا از طریق نقشه‌کشی و پیمایش جنگل‌های مخروبه برای چگونگی محافظت از آن و این که چه بکارند و منابع موجود را چگونه مدیریت کند تصمیم گرفته می شود؛ یا از طریق رتبه‌بندی ماتریسی برای گونه‌های غلاتی که آنها را قادر می سازد تا ویژگی‌های مطلوب آنها برای یک بذر و گونه‌ی مناسب را مشخص می سازد. هدف، تواناسازی مردم در ارائه اشتراک، تحلیل و مباحثه درباره‌ی دانسته‌های خودشان به عنوان شروعی از یک فرآیند است. نتیجه‌ی نهایی دانش و توانایی تقویت شده است توانایی برای طرح خواسته‌ها و انجام اقدامات. بنابراین به جای تحمیل و گرفتن اطلاعات، ارزیابی مشارکتی روستایی برای تواناسازی طراحی شده است. محبوبیت و قدرت ارزیابی مشارکتی روستایی به همدیگر ربط دارند. ارزیابی مشارکتی روستایی همیشه به خوبی انجام نمی شود اما وقتی که به خوبی انجام شود افراد محلی و به ویژه فقرا از یادگیری فعالانه‌ای که ناشی از ارائه دانسته‌ها و واقعیت‌هایشان است لذت می برند. آنها می گویند که اشیاء را طوری دیگری می بینند. تنها مسأله این نیست که آنها دانسته‌هایشان را با افراد خارجی شریک می شوند آنها از آنچه که می دانند بیشتر یاد می گیرند و به همدیگر ارائه کرده و می سازند یک کلیت را که بیش از آن چیزی است که یک فرد به تنهایی می داند. بنابراین فرآیند تواناسازی آنها را قادر به تحلیل دنیای خودشان ساخته و می تواند منجر به انجام برنامه‌ریزی و اقدامات لازم برای خودشان شود این واقعیت هر فرد خارجی نیست که منتقل و تحمیل می شود بلکه مال خودشان است که توصیف و به اشتراک گذاشته شده و تقویت می شود. در این وارونه‌سازی نهایی، واقعیت افراد محلی است که بر واقعیت افراد خارجی ارجحیت دارد.

منابع

- 1- Adams, Alayne, Rita Das roy and Amina Mahbub,(1993). "Participatory methods to assess change in health and women's lives LAn exploratory study for the BRAC-ICDDR, B joint project in Matlab" (Cambridge MA : Harvard Center for Population and Development Studies).
- 2- Bayer. W.,(1988). "Ranking of browse species by cattlekeepres in Nigeria," RRA Notes, No. 3, pp. (4-10).
- 3- Bayer, W., Browse(1987). Quality and Availability in a Farming Area and a GRazing Reserve in the Nigerian Subhumid Zone, Report to the ILCA Subhumid Zone Programme (Kaduna, Nigeria and Gottingen)
- 4- Beebe, J.,(1987) "Rapid appraisal : the evolution of the concept and the definition of issues," in KKU, Proceeding of the 1985 plnternational Conference on Rapid Rural Ap-praisal, Systems Research and Faming Systems Research Projects (Khon Kaen, Thai-land : University of khon Kaen, pp. 47-68.
- 5- Bernadas, C, N., (1991). "Lesson in upland farmer participation : The case of enriched fallow technology in Jara, Leyte, Philippines," Forests, Tree and People Newsletter, No, 14, PP. (10-11).
- 6-Bradley, Sarah Murray,(1992). "Visual literacy : A review with an annotated bibliography," Mimeo (London: BED).
- 7- campbell, G.J., R. Shrestha and L. Stone,(1979). The Use and Misuse of Social Sci-ence Research in Nepal (Kirtipur, Kathmandu : Rsearch. Centre for Nepal and Asian Studies, Tribhuvan University).
- 8- Caruthers, Ian and Robert Chambers, (1981). "Rapid appraisal for rural development," Agricultural Administration, Vol. 8, No. 6 pp. (407-422).
- 9- Cernea, Michael,(1991). Putting People First : Sociological Variables in Rural Develop-ment, Second Edition, revised and expanded (New York : Oxford University Press for theWorld Bank.
- 10- Chambers, Robert, (1993). "Challenging the Professions : frontiers for Rural Develop-ment" (London: Intermediate Technology Publication).
- 11- Chambers, Robert,(1989). "Rapid rural appraisal : Rationale and repertoire," IDS Dis-cussion Paper, No. 155 Brighton : IDS, University of Succes, September).

- 12- Chambers, Robert, Arnold Pacey and Lori Ann Thrupp, (1989). *Farmer First : Farmer Innovation and Agricultural Research* (London : Intermediate Technology Publication).
- 13- Collinson, M., (1981). "A low cost approach to understanding small farmers," *Agricultural Administration*, Vol 8 No. 6 pp. (433-450).
- 14- Conway, G., (1988). "Rainbow over Wollo," *New Scientist*.
- 15- Conway, G., (1987) "Rapid rural appraisal and agroecosystem analysis : A case study from Northern Pakistan," in *KKU. Proceedings of the 1985 International Conference on Rapid Rural Appraisal, Systems Research and Farming Systems Research Projects* (Khon Kaen, Thailand : University of Khon Kaen, pp. (228-254).
- 16- Conway, G., (1986). *Agroecosystem Analysis for Research and Development* (India : Winrock International Institute for Agricultural Development Analysis for Research and Development (India : Winrock International Institute for Agricultural Development).
- 17- Conway, G., (1985) "Agroecosystem analysis," *Agricultural Administration*, Vol. 20, pp. (31-55).
- 18- Daane, J.R.V., (1987) *Quelle methode pour 1, analyse de systemes de production en zone rurale tronicale. Le dilemme entre demarche quantitative peu fiable et demarche qualitative peu generalisable, contribution au 8eme Seminaire d'Economie Rurale* (France : CIRAD, Montpellier).
- 19- Dunn, Tony, and Allan McMillan, (1991). "Action research: The application of rapid rural appraisal to learn about issues of concern in landcare areas near Wagga Wagga." NSW, Paper presented to a Conference on Agriculture, Education and Information Transfer, Murrumbidgee College of Agriculture (New South Wales : September 30 to October 2).
- 20- ERCS, (1988). *Rapid Rural Appraisal : A Closer Look at Rural Life in Wollo* (Addis Ababa: Ethiopian Red Cross Society and London: BED).
- 21- Franzel, Steven, and Eric Crawford, (1987). "Comparing formal and informal survey techniques for farming systems research : A case study from Kenya," *Agricultural Administration*. Vol. 27, pp. (13-33).
- 22- Freire, Paulo, (1968). *Pedagogy of the Oppressed* (New York : the Seabury Press).
- 23- Gibson, Tony, (1991). "Planning for real : the approach of the Neighbourhood Initiatives Foundation in the UK," *RRA Notes*, No. 1, pp. (29-30).
- 24- Gilbert, E. H., D. W. Norman and F. E. Winch, (1980) *Farming Systems Research : A*

Critical Appraisal, MSU Rural Development Paper No. 6 (East Lansing : Department of Agricultural Economics, Michigan State University).

25- Gill, Gerard J., Ok, (1993). the Data's Lousy, But It's All We've Got (Being a Critique of Conventional Methods), Gatekeeper Series No. 38(London : IIED).

26- Gill, Gerard, J., "But how does it compare with the real data?," RRA Notes, No. 14, pp.(5-14).

27- Gould, P., and R. White, (1974) Mental Maps (Harmondsworth, UK: Penguin Books).

28- Grandin, Barbara, (1988) Wealth Ranking in Smallholder Communities : A Field Manual (London : Intermediate Technology Publications).

29- Grandstaff, Terry B., and Somluckrat W. Grandstaff,(1987). "A conceptual basis for methodological development in rapid rural appraisal." in KKU. Proceedings of the 1985 International Conference on Rapid Rural Appraisal, Systems Research and Farming Systems Research Projects (Khon Kaen, Thailand : University of Khon Kaen), pp.69-88.

30- Grandstaff, Somluckrat W., and Terry B. Grandstaff, (1987). "Semistructured interviewing by multidisciplinary teams in RRA," in KKU, Proceedings of the 1985 International Conference on Rapid Rural Appraisal, Systems Research and Farming Systems Research Projects (Khon Kaen, Thailand : University of Khon Kaen), pp. 69-88.

31- Grandstaff, Somluckrat W., Terry B. Grandstaff and George W. (187) Lovelace, "Summary report," in KKU, Proceedings of the 1985 International Conference on Rapid Rural Appraisal, Systems Research and Farming Systems Research Projects (Khon Kaen, Thailand : University of Khon Kaen), pp. 3-30.

32- Gueye, Bara, and Karen Schoonmaker Freudenberger,(1991) Methods Acceleree de Recherche Participative (London : IIED).

33- Gueye, Bara, and Karen Schoonmaker Freudenberger, (1990) Introduction de la Methode Acceleree de Recherche Participative (MARP) (Senegal, Dhakar Centre de Recherches pour le Developement International).

34- Gympantasiri et al., and Gordon Conway, (1980) An Interdisciplinary Perspective of Cropping Systems in the Chiang Mai Valley : Key Questions for Research (Thailand : Multiple-Cropping Project, Faculty of Agriculture, University of Chiang Mai).

35- Hahn, H., (1991) Apprendre avec les yeux, s'exprimer avec les mains : des paysans se forment a la gestion du terroir (Switzerlan : AGRECOL. Oekozentrum, Langenbruck).